

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

٤شنبه٧حمل١٣٦٤
March 27, 1985.
سال پنجم شماره ١٧٤
شمار مسلسل ١٠٨٧
سال تاسیس ١٣٥٩

دربارهٔ تشدید کار حزب در بین توده های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب

فشردهٔ بیانیهٔ اساسی رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا. در پلینوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. که به تاریخ ٢٩ حوت سال ١٣٦٣ در تالار قصر دلکشا مقر شورای انقلابی دایر گردید

رفقا !

مشخصه مدت زمان بعد از چارد همین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، را قبل از همه آماده گی و تجلیل از بیستمین سالگرد حزب ما تشکیل میدهد. این حادثه به انگیزهٔ نوین و تکان دهنده برای تحکیم یک پارچگی و بسیج نیروهای حزبی وهمه وطن پرستان در جهت تکامل انقلاب و دفاع از آن مبدل گردید.

تجلیل از بیستمین سالگرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان نشان داد:

ـ که حزب ما نسبت به هر وقت دیگر بیشتر توده یی، یکپارچه وسازمان یافته گردیده است.

ـ نه اتوریته و اعتبار حزب ما به مثابه پیشاهنگ سیاسی شناخته شدهٔ جامعه به طور بلاوقفه افزایش یافته، نقش رهبری کننده آن در دولت ارتقا حاصل کرده و ارتباط آن با توده های وسیع مردم توسعه و تحکیم می یابد.

ـ که حزب ما و افغانستان انقلابی موضع محکم بین المللی دارد، همبستگی انترناسیونالیستی باافغانستان دایماً رشد می یابد و تعداد دوستان مادر خارج علی الرغم تلاش های دشمنان طبقاتی ما، امپریالیزم و ارتجاع افزایش حاصل می کند.

همه اینها برای ما احساس بر حق غرور را به‌خاطر انقلاب ملی ـ دموکراتیک پیروزمند در افغانستان بوجود می آوردو نیروی ما را، اراده و تصمیم خلل ناپذیر ما را برای رشد و تکامل و دفاع از وطن و انقلاب تقویت می بخشد.

در سه پلینوم قبلی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، جوانب مختلف فعالیت ارگانهای حزبی و دولتی در امر تحکیم قوای مسلح ؛ تقویت و تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب ، بهبود کار حزب و دولت در امر جلب توده ها به طرف انقلاب و در دفاع از وطن وانقلاب، ارتقای سطح فعالیت ارگانهای حزبی ودولتی در محلات ، مورد بررسی قرار گرفت.

پلانهای مشخص تدابیر به منظور تحقق تصامیم اتخاذ شده ، طرح و ترتیب گردید که تا حد معینی امکان داد تا مساعی ارگانهای حزبی و دولتی ، سازمانهای اجتماعی متحد و هماهنگ گردد. تمام کارهای ما موثرتر گشت و خصوصیت بیشتر پلان شده و منظم کسب نموده وهدفمندی آن ارتقاء یافت. بدین ترتیب نتایج مشخصی بدست آمده است.

قبل از همه این نتایج در مسألهٔ مهمی چون توسعه و تحکیم حاکمیت دولتی در محلات تبارز می کند. درجریان سال ١٣٦٣ در عده یی از ولسوالی ها و علاقه داری ها ارگانهای حاکمیت مستقر و در عدهٔ دیگر حاکمیت دولتی توسعه یافته است.

تعداد زیاد قریه ها از تسلط باندهای ضد انقلاب آزاد شده است. توسعه وتحکیم دایمی حاکمیت دولتی تأثیر نیرومندی بالای عقول و قلوب انسانها وارد می نماید. ضد انقلاب هر چه بیشتر محیط تامین وزیست خود را از دست داده و از لحاظ اجتماعی تجرید می گردد. انسانها با دیدن بیهودگی فعالیت خونین و ننگین ضد انقلاب از آن روی بر می گردانند. در جریان این سال ده ها باند و صدها تن از فریب خورده ها یا به حاکمیت انقلابی پیوستند و یا سلاح بزمین گذاشته فعالیت مسلحانه علیه دولت را قطع کردند.

تحکیم و تقویت قوای مسلح ما و افزایش مؤثریت فعالیت جنگی آن ادامه دارد. درسال ١٣٦٣ اردوی ما عملیات های فراوان نظامی را انجام داده است و نیروهای خارندوی طی عملیات های متعدد حملات باندهای ضد انقلاب رادفع کرده است. مؤثریت و نتایج فعالیت خدمات اطلاعات دولتی افزایش قابل توجه یافته است. همهٔ اینها امکان داد تا پلانهای شوم ضد انقلاب در جهت تشدید تشنج اوضاع درکشور بر هم بخورد.

نتایج معین مثبت در حل وفصل پروبلم های اجتماعی ـ اقتصادی نیز بدست آمده است. پلان سال ١٣٦٣ به ملاحظهٔ شاخص های اساسی تحقق یافته است. برای نخستین بار بعد از انقلاب پلان سال ١٣٦٣ در بخش محصول ناخالص ملی و در آمد ملی اجرا شده است. حجم تولید صنعتی در ظرف یکسال ٤٫٦ فیصد افزایش یافته و ازسطح قبل ازانقلاب به اندازهٔ ٥ فیصد بیشتر گردیده است. زراعت از ثبات و استقرار بر خوردار است و درسال جاری توانست مردم ما را از لحاظ مواد اساسی غذایی تامین کند. ساختمان ، ترانسپورت و مخابرات رشد بیشتر یافت. نتایج سال ١٣٦٣ به وضاحت نشان میدهدکه‌ضد انقلاب مسلح و با دارا ن خارجی آن مطابق به نقشه های پلیدی که داشتند به هدف های خاینانهٔ خود یعنی بر هم زدن اقتصاد ، ایجاد ویرانی، قحطی و گرسنگی نایل نگردیدند. اقتصاد ما در نتیجهٔ مساعی حزب ، حاکمیت انقلابی و میلیونها زحمتکش افغان آزمایش تحمیل شدهٔ را در سال جاری از سر گذراند و ما درنظر داریم درسال آینده گام های نوینی را در جهت‌اجرای وظایف اجتماعی ـ اقتصادی برداریم.

اما ، اگر به آنچه که‌بدست آمده است ، راضی میشدیم، انقلابیون واقعی نمی‌بودیم. ما بروشنی درک می کنیم و اذعان میداریم که هنوز در آغاز راه قرار داریم. مردم از ما انتظار دارند تا شرایط کامل کار وزندگی صلح آمیز رابرای آنان فراهم کنیم.

در ارزیابی اوضاع موجود انقلابی و جنگ اعلام ناشدهٔ ارتجاع و امپریالیزم علیه کشور ما باید با حد اعلای احساس مسوولیت و مطالبات جدی ، دسپلین انقلابی و همبستگی و تعقیب اصل کنترول در تمام سطوح کار برخورد نماییم. اینها نقاط ضعف ماست که تاکنون علی الرغم جدی گرفتن آن از طرف رهبری حزبی و دولتی با آن برخورد قاطع صورت نگرفته است.

ما در پلینومهای قبلی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا ، و همچنان در مراسم تجلیل از بیستمین سالگرد حزب بر ضرورت تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و استقرار وتحکیم حاکمیت انقلابی و تسریع تحولات اجتماعی ـ اقتصادی تأکید جدی بعمل آوردیم.

باید با صراحت گفت که در اجرای تصامیم اتخاذ شده و پلانهای مطرحه نارسایی ها و نواقص وجود دارد. چرخش لازم در مبارزه به خاطر عادی ساختن اوضاع درکشور هنوز هم به میان نیامده است ، وتا حد قاطعی این‌وضع ناشی از آنست که‌توده های وسیع مردم تا هنوز در امر تکامل انقلاب و دفاع از آن جلب نشده اند. ماهنوز مبارزه به‌خاطر توده ها را به پیروزی قطعی نرسانده ایم. ما باید به طور عاجل وفوری تدابیری را جهت تقویت و تشدید کار حزبی دربین توده ها اتخاذ نماییم و توجه همه ارگانهای حاکمیت دولتی ،تمام سازمانهای اجتماعی را به این مهمترین مساله جداً افزایش بخشیم. ارتقای سطح فعالیت سیاسی توده هاباید حتماً تأمین گردد. ما باید امکانات و شرایط را برای اشتراک توده های وسیع در مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح مهیا سازیم و توسعه بدهیم. این امر شکست و سرکوب قطعی ضد انقلاب را تامین می کند. تضمین بنیادی پیروزی نهایی انقلاب ما در این امر نهفته است.

به همین سبب نیز بیروی سیاسی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا در پانزدهمین پلینوم نوبتی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا ، مساله ((تشدید کار حزبی در بین توده های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع ازوطن و انقلاب)) را جهت‌بررسی مطرح می سازد.

رفقا !

حزب ما مفهوم و هدف فعالیت خود را در آن می بینند که شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد و تمام زحمتکشان افغان به مفهوم واقعی و راستین و کامل کلمه به صاحبان واقعی سرنوشت خود و کشور خود نایل شوند. تنها درصورت اشتراک وسیع ، فعال و مستقیم خود توده های مردم می توان به این هدف نایل شد.

کار حزب دربین توده ها باید در جهت تحرک فعالیت اجتماعی ـ سیاسی آنان و در جهت این امر سوق یابدکه

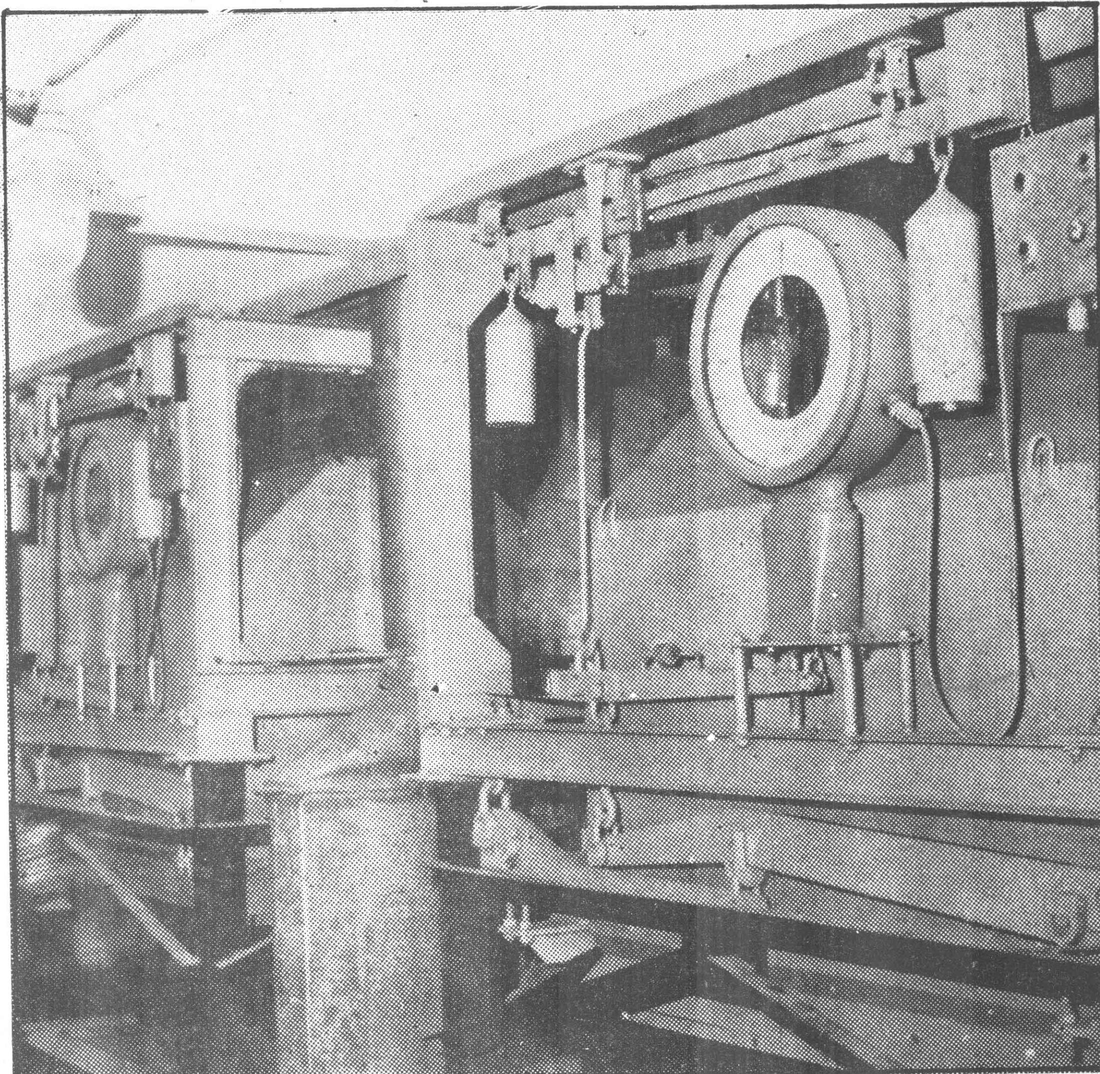
(ص٢)

دوستی در عمل

سیلوی مزار شریف یکی‌از نمونه هایی کمک بی شایبهٔ کشور دوست وبرادر اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی به کشورانقلابی ما می باشد. این سیلو با وسایل مدرن و عصری تجهیز گردیده ودرکار ساختمان وبکار انداختن آن متخصصین کشور دوست سهم فعالانه و ارزشمند داشته اند.

درین سیلو برعلاوه آسیاب نمودن گندم ، نان و انواع مختلف کیک وکلچه آماده‌شده و بدسترس هموطنان شریف شهرمزار شریف قرارمیگیرد.

عکاسی شریف لطیفی



اخبار خارجی

اعلامیهٔ کمیتهٔ رهبری شورای جهانی صلح

مردم سراسر جهان چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم هتلری و جاپان نظامیگر را امسال تجلیل می نمایند چهل سال قبل به دوره تاریک برده‌گی وقتل‌عام در اروپا پایان داده شد و دسایس جنایتکارانه نازی ها جهت بر گرداندن چرخ تاریخ به عقب و ایجاد نظم جدید فاشیستی عقیم ماند.

مطالب فوق در اعلامیه کمیته رهبری شورای جهانی صلح که در مسکو به نشر رسیده ابراز گردیده است.

اعلامیه حاکیست ، طی جریان جنگ بیرحمانه فاشیست ها هزار ها شهر ویران و پنجاه ملیون نفر به قتل رسیدند.

در اعلامیه علاوه گردیده ، پیروزی بر فاشیزم هتلری و جاپان نظامیگر منتج به‌وقوع تغییرات عمیق سیاسی ، اجتماعی ، ظهور جامعه سوسیالیستی ،محو سیستم امپراطوری های استعماری و آزادی بیش از ٧٠کشور گردیده‌وموج وسیع مبارزات مردمان برای صلح، سراسر جهان را فرا گرفت وجهانیان درودهای گرم شانرا عنوانی مردم اتحاد شوروی که سهم قاطعی را درپیروزی بر فاشیزم بعهده داشتند ، فرستادند.

در اعلامیه آمده امروز ،نیز مانند چهل سال قبل وظیفه مهم همانا وحدت استوار نیروهای صلح در برابر فاجعه اتمی‌میباشد تا بشریت را از آن نجات دهد تا ریخ

(ص٦)

دربارهٔ تشدید کار حزب در بین توده های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب

(بقیه ص اول)

مردم ما مفهوم حوادث جاری را درست درک کنند، آگاهانه انتخاب خود را به نفع صلح و کار پرثمر و پرسعادت در سر زمین خود و به نفع حاکمیت انقلابی خود، که این شرایط را مهیا میسازد، ارتقا بخشند و این پروسه به صورت پیگیر ادامه داشته باشد.

حزب ما در جریان سال های اخیر و مخصوصاً بعد از کنفرانس سراسری حزبی توجه هر چه بیشتر را به تقویت کار سیاسی و سازمانی در بین توده ها، بهبود و تکمیل اشکال و میتود های آن و تثبیت و تکامل نتایج حاصله معطوف میدارد. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.، فعالیت همه کمیته ها و سازمانهای حزبی و تمام اعضای حزب را در این جهت سوق میدهد. ما عقیده داریم که تقویت و تشدید کار سیاسی و سازمانی در بین توده ها کار موقتی نه، بلکه دایمی است و ضمناً مهمترین جهت کار حزب را تشکیل میدهد.

واقعاً کمیته ها و سازمانهای حزبی با هدفمندی بیشتر و به طور فعالتر به مسایل کار توده یی ـ سیاسی می پردازند. اکنون ارگانها و وسایل اطلاعات جمعی واقعیت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی را مشخص تر و به طور قابل فهم به توده ها توضیح میدهند. اشکال و میتود های کار توده یی ـ سیاسی تا حدودی متنوع تر و مؤثر تر شده است. همهٔ اینها امکان داد تا نتایج معین مثبت در تحرک فعالیت سیاسی توده ها و جلب آنان به طرف انقلاب حاصل گردد. به طور مثال پذیرش زحمتکشان به حزب و سازمانهای اجتماعی به طور دایمی و پایدار افزایش می یابد. ح.د.خ.ا. در جریان سال ۱۳۶۳ بیش از سی هزار تن را به عضویت آزمایشی پذیرفت و اکنون در صفوف حزب بیش از ۱۳۰ هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارد. تعداد اعضای اتحادیه های صنفی بیش از ۲۰۰ هزار تن، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بیش از ۱۵۰ هزار تن، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان درحدود ۴۰ هزار تن و تعداد اعضای جبهه ملی پدر وطن از ۷۰۰ هزار تن متجاوز است.

زحمتکشان، باشندگان شهرها و قریه ها هر چه بیشتر و وسیع تر به گروه های مدافعین انقلاب، دفاع خودی و سایر نیروهای مسلح ملکی می پیوندند و درتحکیم حاکمیت در محلات مربوط، در دفاع از نظم انقلابی، تأمین شرایط عادی و آرام زندگی و کار اشتراک می ورزند.

این امر نیز مهم است که فعالیت و علاقمندی زحمتکشان در اجرای تدابیر اجتماعی ـ اقتصادی، در رشد تولید، در برانداختن حشرها به خاطر بازسازی و ساختمان مکاتب، شفاخانه ها، مساجد، تاسیسات و تجهیزات آبیاری و انرژی، سرک ها، پلها وغیره افزایش می یابد. کار اجرای اصلاحات ارضی ـ آب به طور قابل ملاحظه اعتلا یافته است. ما در اینجا نیز دموکراتیزه شدن این کار، توسعهٔ اشتراک خود دهقانان در آن از طریق شوراهای دهقانی و مساعدت به این اصلاحات را به مثابه نکته بسیار مهم و نوین خاطر نشان می سازیم. همچنان این کار امریست که امروز در آن صدها هزار انسان اشتراک می ورزند.

اما در بارهٔ جنبش ملی امحای بیسوادی. در حال حاضر در کشور ۲۰ هزار کورس فعال است، که در آنها ۳۸۰ هزار نفر سواد می آموزند. در مجموع بعد از انقلاب یک میلیون و یکصد هزار نفر با سواد شده اند. ما در آینده نیز امر نجیبانهٔ امحای بیسوادی در کشور را به طور ثابت و پیگیر توسعه بخشیده و آنرا ادامه می دهیم و به انجام موفقانهٔ آن تا اخیر اطمینان داریم.

بدین ترتیب انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین آن واقعاً توده های وسیع مردم را به جنبش در آورد و به آگاهی و فعالیت سیاسی آنان و همچنان جلب آنان به اشتراک در تکامل انقلاب و دفاع از آن تکان نیرومند داد که طی ده ها سال عادی زندگی نمی توانست بدین سطح نایل آیند.

ولی ما آنچه را که بدست آمده است بیش از حدود آن خوشبینانه ارزیابی نمی کنیم و ادعا نمیداریم که کار های انقلابی ما طور لازم و در حدود امکانات ایکه موجود است به پیش نمی‌رود و فراموش نمی کنیم که:

ـ مبارزه به خاطر جلب توده ها را صرف ما به پیش نمی بریم. دشمنان طبقاتی ما امپریالیزم، ارتجاع، فیودال ها، بیروکراتهای دوران سلطنت و کمپرادور های سرنگون شده در کشور تلاش می ورزند که توده های مردم را به هر قیمتی و با توسل به همه وسایل رذیلانه و خاینانه به جانب خود بکشانند. آنها با استفاده از باند های ضد انقلابی که خود ایجاد کرده اند به ترور و زورگویی در برابر انسانهای ساده و مومن متوسل می گردند، خون انسانهای بیگناه را می ریزند و بی رحمی را همراه با دروغ و فریب بکار می برند. و هنوز هم هستند کسانیکه در اردوگاه آنها قرار دارند. ما وظیفه داریم که این انسانها را از تحت تاثیر ضد انقلاب نجات دهیم. حتماً ما به این امر نایل می گردیم، زیرا حقیقت وعدالت به طرف ما ست. گمراهی اکثریت قاطع آنان موقتی است. اما مساعی جدی، پیگیر و هدفمند از جانب ما لازم است تا این هدف حاصل گردد.

بخشی از اهالی هنوز مزایای زندگی نوین انقلابی را طور شاید و باید درک نکرده اند. هنوز آنها از ستم باند های ضد انقلاب با اشکال گوناگون رنج می برند، در بعضی محلات تا هنوز باند های ضدانقلاب با زور و ظلم جوانان را مجبور به شامل شدن در صفوف خود و اهالی را مجبور به تغذیه و نگهداری این باند ها می سازند.

باید صریحاً گفت که حاکمیت انقلابی در برابر این بخش اهالی همه مساعی لازم را که باید انجام میداد هنوز انجام نداده است.

ما باید هر چه نیرومند تر از این بخش اهالی دربرابر باند های تروریست صادر شده از خارج، دفاع کنیم ما هنوز حقیقت درباره اهداف عالی و نجیبانه حزب، انقلاب و حاکمیت انقلابی را به گوش آن بخش اهالی نرسانده ایم. ما تا هنوز نتوانسته ایم آنان را کاملاً برای مبارزه علیه دشمنان طبقاتی شان، برای اشتراک در اعمار زندگی نوین متشکل سازیم. روشن است که این ساحات و باشندگان آن باید مورد توجه خاص حزب و حاکمیت انقلابی قرار گیرند. اگر فوراً به کار جدی انقلابی در این مناطق کشور پرداخته نشود، از این کمبودی دشمن طبقاتی ما استفاده کرده و همه اقدامات ممکن را برای تشدید ستم و فشار بر آنها انجام میدهد.

بالاخره ما در آن مناطقی که دشمن نمی تواند موانع جدی را ایجاد کند نیز کمبودی ها و نارسایی های جدی در کار با مردم داریم که بر عدم کفایت وشایستگی کار سازمانهای حزبی در بین توده ها دلالت می کند.

تحلیل و ارزیابی کار حزب دربین توده ها نشان میدهد:

ـ ارگانهای حزبی و دولتی، سازمانهای اجتماعی، بسیاری از اعضای حزب تا هنوز هم به کار متداوم، پیگیر و جدی در بین توده ها کم بها داده اکثراً به نیازمندیها و خواست های روز مرهٔ زحمتکشان بابی علاقه گی وبه طور سطحی بر خورد نموده و کار برای حل و فصل مسایلی را که می توانند و باید درمحلات به نفع زحمتکشان اجرانمایند سازمان نمی دهند. ما با این شیوه، پشتیبانی توده ها را از انقلاب وحاکمیت انقلابی توسعه نه بخشیده، بلکه بر عکس توده ها را ازخود دور می سازیم.

در کار میان توده ها هنوز هم شکل گرایی، سر و صدا های سیاسی، لاف زنی و پر حرفی بیهوده، زیاد وجود دارد. هنوز وحدت لازم و ضرور کار سیاسی و سازمانی در بین توده ها وجود ندارد. شعار ها و تدابیر سیاسی با بسیج توده ها برای حل و فصل پرابلم های مشخص و مبرم، مانند ایجاد دفاع خودی در محل، تحکیم وتوسعه حاکمیت دولتی، ترمیم وبازسازی پروژه های اقتصادی و اجتماعی و غیره تقویت و تثبیت نمی گردد.

ـ بهبودی بیشتر وزیاد تر در سازماندهی کار توده یی ـ سیاسی نیز خواست جدی است. اشکال و میتود های مورد استفاده معمولاً یکنواخت و بیروح اند. زحمتکشان و اهالی درباره اهداف حزب و حاکمیت انقلابی، در بارهٔ تدابیریکه به منظور حصول این اهداف و بهبود شرایط زندگی مردم و مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح اتخاذ می گردد، اطلاعات و معلومات کم دارند. آنان مقام وسهم خود را در تمام این تدابیر به خوبی، بدرستی ودقت درک نمی کنند. خصوصیات اقشار و گروه‌های مختلف اهالی کاملاً و به خوبی مد نظر گرفته نمی شود. اشکال قابل فهم کار برای توده ها، مد نظر گرفتن سنن و خصوصیات محلی هنوز کفایت نمی کند. با کادر های تبلیغ و ترویج مبلغین لکچر دهندگان، معلمان علوم اجتماعی کار کافی صورت نمی گیرد. به جلب افراد ریش سفید وصاحبان اعتبار و نفوذ، علما وروحانیون در محلات، به کار توضیحی در بین اهالی توجه کمتر معطوف می شود.

به فکر من همه این مطالب وبسیاری مسایل دیگر مربوط به بهبود و تکمیل کار تبلیغی و ترویجی، ارتقای آن به سطح مطالبات اوضاع باید درسیمینار سراسری ایدیولوژیک که در آینده قریب دایر خواهد شد، به طور وسیع، همه جانبه و مشخص مورد ارزیابی و بررسی قرار داده شود.

رفقا!

اجازه دهید اکنون به وظایف اساسی درعرصه بهبودی کار حزب در بین توده ها بپردازیم.

قبل از همه کار توده یی ـ سیاسی خود به خود پیش نمی رود و تحقق نمی پذیرد. این کار را نمی توان از وضع عمومی حزب حاکم و حاکمیت انقلابی جدا ساخت. کار توده یی ـ سیاسی تنها در آنصورت می تواند موفق و موثر باشد و به هدف برسد که حزب و حاکمیت انقلابی با رسالت عالی ملی ـ تاریخی خویش مطابقت داشته باشند. به‌عبارت دیگر حزب نباید فاصله و گسست میان حرف و عمل را اجازه دهد. اعضای حزب باید نمونه ومثال دسپلین پذیری، سازمان پذیری، فداکاری، دقت در کار و فروتنی در زندگی باشند. ارگانهای حاکمیت دولتی باید به طور مطمئن و استوار عمل کنند. فعالیت آنان باید به طور عام وتام، تابع منافع انقلاب، حزب و خلق، تابع اصل وطن پرستی و انترناسیونالیستی باشد. زحمتکشان باید نزدیکی حزب ودولت، مواظبت و توجه آنهارا ببینند واحساس نمایند ودر عمل معتقد شوند که حزب، حزب خود شان ودولت، دولت خودشان است. در آنصورت زحمتکشان آگاهانه و با آمادگی به امر رشد و تکامل انقلاب ودفاع از آن سهیم میگردند.

متأسفانه ما در عمل گاهی با تخلفات جدی و خشن از اصول عالی حزب ما و حاکمیت انقلابی بر میخوریم. افرادی که بعضاً مقامات حزبی ودولتی نیز دارند، مسوولیتی را که این مقامات بعهدهٔ شان می گذارد، فراموش نموده و فقط بفکر مزایا و امتیازات برای خود، خانواده وخویشاوندان خود، برای دوستان گرم محفلی وسمتی خود هستند. آنها تقوای انقلابی را فراموش میکنند. از موقف و وظیفه سوء استفاده مینمایند و همه‌اینها در برابر چشمان انسان های ساده ایکه بعداً ازطرف همین اشخاص برای خدمت به‌انقلاب فراخوانده میشوند، صورت میگیرد. آیا زحمتکشان به چنین اشخاص واعمال زشت‌و زننده آنها اعتماد میکنند؟

یک فاکت مشخص رامنحیث نمونه می بینیم: اکثریت کارگران مصروف در کار های تفحص و برمه‌کاری جهت استخراج گاز در ولایت جوزجان در زیر زمینی ها زندگی نموده، لباس مخصوص کار، بوت رختخواب وبستر ندارند، تغذیه شان درست سازمان نیافته واز خدمات صحی محروم اند، وهیچگونه تدابیر مؤثر برای رفع این نیازمندی ها و بهبود شرایط کار شان از طرف ریاست تفحصات نفت و گاز ووزارت معادن و صنایع اتخاذ نمی گردد، گرچه همه ضروریات برای ایجاد شرایط عادی کار برای کارگران وجود دارد. این مثال‌صریح برخوردتحقیر آمیز، بی پروایی و عدم علاقه نسبت به زحمتکشان است متأسفانه این نمونه ها در سایر وزارت خانه ها نیز، وجود دارد. سوال به میان می آید که کمیته حزبی و سازمان صنفی مصروف چه کاری‌اند! فکر می کنم که ارگان های مرکزی نیز باید بالای همه‌این مسایل جداً فکر کنند و تدابیر لازم اتخاذ نمایند.

باید بگوییم که مبارزهٔ ما با بی دسپلینی، عدم‌انضباط، بر خورد غیر مسوولانه به امور، عدم اجرای وظایف، عدم کنترول در حزب ودولت درسطح نازلی قرار دارد. و باوسعت و پیگیری، با قاطعیت واصولیت کافی پیش برده نمی شود. چنانکه معلوم میشود بسیاری آنرا کارزار موقتی شمرده اندکه میشود انتظار کشید و از سرگذراند و باوعده های شفاهی و شکلی از آن نجات یافت ودر عمل به شیوه نادرست گذشته دوام داد.

ما در نیمه راه توقف نمی کنیم وحتماً علیه تمام بیماری‌ها و بی اصولیتی ها پیکار میکنیم وریشه های زهر آگین سوء استفاده هارا قطع می نماییم.

برای جلب توده ها، داشتن آنان با خود و جلب اعتماد و پشتیبانی آنان، باید پاکی ووجدان بلورین داشت‌و فعال و اصولی بود، پس بیایید شایستهٔ اعتماد و پشتیبانی توده های افغان باشیم! باید آگاه بود کسانیکه با خلق، با زحمتکشان نیستند باحزب وبا ما نخواهند بود.

کمیته های حزبی باید به مراکز واقعی تربیت وپرورش خصوصیات وسجایای‌عالی سیاسی واخلاقی‌هرعضو اصلی وآزمایشی حزب و به‌مبارزان سرسخت علیه مظاهر و بقایای بلند پروازی‌و تکبر، وبیکارگی، علیه سوء استفاده، عیاشی و تجمل پرستی، علیه دسپلین‌ناپذیری وبی اصولیتی مبدل‌گردند. کمیسیون های کنترول‌حزبی باید بالای ضعف های خودغلبه کنند. ودر برابر همه موارد تخلف از اساسنامه ح.د.خ.ا.، ونقض معیار های حیات حزبی عکس العمل جدی دایمی و اصولی‌نشان دهند. محاکم وخارنوالی‌ها موظف اند موارد تخلف از قوانین انقلابی را دایماً جلوگیری و آنهایی را که به حاکمیت انقلابی لطمه وارد می کنند، شدیداً مجازات نمایند. محاکم وخارنوالی باید از ریشه بخود تکان دهند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان همیشه سعی می ورزد که شرایط برای جلب توده های وسیع زحمتکشان به اداره دولتی ایجاد گردد. در «اصول اساسی ج.د.ا.» که پنجسال قبل تصویب شده این امر درج است. درسال ۱۳۶۲ در اجلاسیه فوق‌العاده شورای انقلابی ج.د.ا. قانون ارگانهای محلی قدرت‌واداره‌ٔ دولتی به تصویب رسید که تشکیل این ارگانها را از طریق انتخابات دموکراتیک پیشبینی میکند.

درسال۱۳۶۳در سیزدهمین وچهاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.، برخورد مشخص نسبت به عملی ساختن این قانون صورت گرفت. کمیته های حزبی‌باید متوجه ساخته شوندتا مساعدت همه جانبه رابرای تدویر انتخابات جرگه های محلی در محلاتی که امکان آن موجود است، مبذول دارند. منافع رشد انقلاب، تحکیم حاکمیت خلق و توسعه پایه اجتماعی‌آن حکم‌میکند که‌روند انتخاب جرگه های محلی توسط زحمتکشان واهالی متوقف نگردیده، بلکه برعکس دایماً قوت و نیرو گیرد. اکنون حلقه عمده‌در این مهمترین امر عبارتست از انتخاب جرگه ها در قریه ها، زیرا بدون آن انتخاب نمایندگان مردم در جرگه های علاقه داری، ولسوالی وولایت پایه های استوار نخواهد داشت.

تاکنون صدها جرگه قریه ایجاد گردیده‌و قریه داران انتخاب شده اند، چنانکه دیده می شود این تعداد بسیار کم است. این امر فوق العاده مهم است که تاثیر کمیته های حزبی بر روند تشکیل و تأسیس‌ارگان های نوین و دموکراتیک حاکمیت افزایش یابد واین روند تحت رهبری آنها رخ دهد و ارگان های دولتی به‌آن کمک مُوثر نمایند.

درینجا ضرور است تا در باره نقش و اهمیت ارگان‌های محلی حزبی و سازمان های اولیه بطور خاص صحبت شود. این ارگان ها‌وسازمان ها باید کار اساسی با اهالی را در محلات زیست شان پیش ببرند، در جایی کار کنند که توده ها‌وجود دارد، اعتماد، احترام وپشتیبانی زحمتکشان را جلب نمایند.

اکنون در حزب چندین هزار سازمان اولیه و سازمان شعبوی وجود دارد. افزایش تعداد آنها ادامه دارد. اما در این روند یکه در مجموع رشد آن مثبت بشمار میرود، مانند سابق حلقه قریه ضعیف باقیمانده است. در قریه ها، در محل زیست دهقانان، تعداد سازمانهای حزبی و اعضای حزب کمتر از شهرها ست. در این میان در اکثریت ولسوالی ها و علاقه داری ها سازمانهای‌حزبی دارای تعداد کم اعضای‌حزب اند.

لازم است تا فوراً توجه کمیته های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی، علاقه داری به ایجاد شبکه وسیع و گسترده سازمانهای‌اولیه در محلات زیست زحمتکشان مخصوصاً قریه ها افزایش یابد، همهٔ ما باید بدانیم که تنها به این ترتیب می توانیم سازمانهای حزبی منطقوی را تحکیم بخشیم و ارتباط مؤثر، دایمی و محکم‌حزب با توده های مردم را تأمین نماییم. حرف های ولادیمیر ایلیچ لنین را بیاد خواهیم داشت که: تنها سازمانهای حزبی که پیوند محکم با یکدیگر و با مرکز حزب داشته باشند، با تبادل تجربه خود کار تبلیغی، ترویجی، سازمانی را تحقق می بخشند و با تطبیق قاطع آن نسبت به همه‌بخش ها و گروه های توده زحمت‌کش باید به طور سیستماتیک هم حزب، هم طبقه و هم توده ها را تربیت نمایند.

اکنون در باره بعضی از سایر مسایل مهم کار کمیته های حزبی و ارگانهای حاکمیت دولتی در بین توده ها حرف می زنیم.

نخست اینکه: کار توده یی‌ـسیاسی کار زار موقتی نیست که به مناسبت‌اجرای تدابیر مختلف مانند میتنگ، مارش، جلسه و غیره، پیشبرده شود. در حزب ما اکثراً بعد از هر پلینوم نوبتی کمیته مرکزی اعتلا و رونق شدید این کار و بعداً کندی آن تا پلینوم بعدی به مشاهده میرسد.

کار توده یی ـ سیاسی باید به طور دایمی و درهمه جا، توسط همه کمیته ها و سازمان های حزبی، توسط تمام اعضای حزب و همه ارگانهای دولتی پیش برده شود. ضمناً به اشکال فعال تعرضی و تصویری، زنده و مجسم کننده رجحان داده شود.

منحیث مثال می توان از گروه های پر افتخار تبلیغاتی و ترویجی یاد آور شد. فعالیت آنها در همه جا پیکه میرود مورد استقبال مردم قرار میگیرد.

اما یک نکتهٔ ضعیف در آنست که سازمانهای حزبی و ارگانهای سیاسی قوای مسلح با ارگانهای منطقوی و محلی حزبی اشتراک عمل لازم نداشته و کار خود رابا آنها طور لازم و کافی توافق نمی بخشند. درحالیکه فقط فعالیت و عمل مشترک و موافقت گروه های تبلیغاتی و ترویجی و گروپ های قوای مسلح با کمیته محلی حزبی زیاد ترین مؤثریت‌را در امر تحکیم و توسعه‌مواضع حاکمیت انقلابی بوجود می آورد. چنین پراتیک یعنی فعالیت مشترک و موافق، تفاهم متقابل، همکاری و هماهنگی و تعقیب کار یکدیگر باید طبق خواست فیصله های چاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.، در همه جابه میان آید واستقرار یابد.

(ص۳)

دربارهٔ تشدید کار حزب در بین توده های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب

(بقیه صفحه دوم)

دوم اینکه تاکنون سیستم موثر ارسال و پخش ادبیات سیاسی، نشرات حزبی، اوراق تبلیغاتی و مواد میتودیک ایجاد نگردیده و این نارسایی بسیار جدی است. و اگر آثار و نشرات منظم به مراکز ولایات برسد، باز هم به خوانندگان اساسی، به کارمندان سازمان های پایینی حزبی، به مبلغین و فعالین حزبی نمی رسد. بیاد می آوریم که و.ای. لنین به پخش ادبیات و آثار سیاسی چه اهمیتی را قایل بود. او خاطر نشان می ساخت: «... لازم است، تا انسان روزنامه ها و رساله های تبلیغی را دراختیار داشته باشد، تا این آثار درست پخش شده و به مردم برسد، تا در راه از بین نرود، زیرا آنها بیشتر از نصف آنرا نمی خوانند ودر بعضی کار های دفترداری بکار میبرند و ممکن است یک چهارم آن به مردم نرسد.»

اما در کشور ما چه رخ میدهد؟ آثار سیاسی، آموزشی، پلاکات ها، اوراق تبلیغاتی، رساله ها که فعالین در ولایات، ولسوالی ها و علاقه داری ها به آن ها اشد ضرورت دارند، در تحویلخانه ها افتیده و از بین میروند، و از آنچه که به محلات میرسد، باز هم اطمینان وجود ندارد که تعداد زیاد آن بدست مردم برسد. چنین وضعی را دیگر نمی توان تحمل کرد. تدابیر عاجل ضرورت است.

چنین معلوم می شود که لازم است تا در این موضوع مصوبه خاص بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. صادر گردد. باید از تمام وسایل ترانسپورتی برای انتقال این آثار استفاده صورت گیرد.

برای انتقال مواد باید نظم خاص ایجاد گردد و تخلف از این نظم باید مطابق به قوانین انقلابی زمان جنگ مجازات گردد. منشی های کمیته های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی، علاقه داری در قبال سازماندهی پخش و ارسال آثار سیاسی و آموزشی مسوولیت فردی دارند. بالاخره در این امر باید نظم انقلابی بوجود آید.

رفقاییکه در محلات کار می نمایند در مورد ضعف تامین مادی ـ تخنیکی کار تبلیغی و ترویجی ما انتقادات عادلانه وارد می سازند. آنها کاملاً بر حق اند. در واقعیت هم تاکنون در بسیاری از کمیته های ولایتی ح.د.خ.ا. وسایل تکثیر، وجود ندارد. البته در بارهٔ وسایل تکثیر پیشرفته هنوز حرفی نمی توان گفت. وضع مطابع بسیار خراب است، به صورت درست مجهز نشده اند و در تمام ولایات نیز فعال نیستند. کیفیت پلاکات ها و اوراق تبلیغاتی که در محلات به چاپ میرسند بسیار پائین است.

مطالب فوق الذکر درمورد رادیو های محلی و تجهیزات گروه ها و گروپ های تبلیغاتی و ترویجی نیز صدق می کند. زندگی نشان میدهد: در جاییکه به طور شاید و باید و به طور حزبی کار صورت گیرد، امر مربوط تا آخر رسانده می شود. مثلا در جریان سال ۱۳۶۳ در مدت کوتاه مراکز تلویزیون کندهار، هرات، جلال آباد، غزنی تجهیز و بکار انداخته شد. اکنون مراکز مذکور در فراه، خوست و فیض آباد اعمار می گردد. لذا باید در دیگر مسایل مربوط به سازماندهی و تجهیز کار تبلیغاتی انرژی و پایداری بیشتر بکار برده و احساس مسوولیت حزبی نشان داده شود. در آنصورت اجرای وظایف مطروحه حتماً میسر میگردد. از همه مطالب فوق الذکر باید رفقای مربوط نتیجه گیری های لازم را بنمایند.

سوم اینکه: سطح کار توده یی ـ سیاسی تا حد زیادی وابسته به سطح آمادگی ایدیولوژیک سیاسی خود اعضای حزب وهر سازمان حزبی، به خصوص آن بخشی است که مستقیماً مصروف فعالیت تبلیغی و ترویجی اند. در حزب ما این نوع آمادگی قبل از همه در سیستم آموزش حزبی فرا گرفته میشود. در حال حاضر در این سیستم هفتادوپنجهزار تن از اعضای اصلی و آزمایشی ح.د.خ.ا. مشغول فراگیری اند و ٤٤٩٥ کورس آموزشی و سیمینار وجود دارد. سازماندهی آموزش حزبی بهبود حاصل میکند، نشر مواد میتودیک نظم می یابد، سیمینار های آموزشی و میتودیک با آموزگاران کورس های آموزشی منظماً دایر می گردد، آثار کلاسیک جهان بینی علمی و اسناد اساسی ح.د.خ.ا. برای کمک به آموزش حزبی بیش از هر وقت دیگر به چاپ میرسد. تدابیری جهت توسعه آمادگی کادر های ورزیدهٔ مسلکی در امور تبلیغی و ترویجی اتخاذ میگردد. به این منظور در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب شعبات مخصوص ایجاد شده که تاکنون صدها تن از آنها فارغ شده اند. درسال تحصیلی ۱۳۶۳ ـ ۱۳۶٤ برای نخستین بار آموزش حزبی بشکل تصنیفی با درنظر داشت سطح سواد وآمادگی اعضای اصلی وآزمایشی صورت میگیرد.

همهٔ اینها خوبست. اما یک سلسله مسایل مهم هنوز حل نگردیده که مؤثریت و کیفیت آموزش حزبی تا حد زیادی وابسته به آنهاست. مانند گذشته هنوز هم این آموزش تمام حزب را دربرنمی گیرد. بسیاری از اعضای حزب مخصوصاً آنانیکه در این اواخر پذیرفته شده اند، شامل کورس های آموزشی و سیمینار ها نیستند. سطح حاضری در کورس های آموزشی نیز باید ارتقا یابد. عمده این است که تاکنون ارتباط وپیوند لازم آموزش حزبی در کورس های آموزشی وسیمینار ها باتنویر سیاسی توده ها، با کار سیاسی و سازمانی دربین توده ها تأمین نشده است. زیرا چنین هم به وقوع می پیوندد که عضو حزب در محیط حزبی، در همان کورس آموزشی و یا سیمینار، حرف های درست را بخوبی افاده میکند. اما مفهوم این حرف ها را به همکار غیر حزبی خود، به همسایه خود، خلاصه به نمایندهٔ آنانیکه ما «توده» می نامیم، نمی تواند ویا نمی خواهد بنا بر عدم احساس مسوولیت انقلابی ووجدانی توضیح دهد.

صریحاً باید گفت که: کمیته های حزبی در این امر که اعضای حزب، همه فعالین سازمان های اجتماعی در برابر غیر حزبی ها، در برابر توده های وسیع زحمتکشان صحبت و سخنرانی کنند، در بین شان کار تبلیغی، ترویجی وتوضیحی را پیش ببرند، مفهوم سیاست حزب وحاکمیت انقلابی، اوضاع جاری، ضرورت اتحاد نیرو های ملی ووطن پرست بر مبنای مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح، به خاطر عادی ساختن اوضاع در کشور را توضیح دهند، هنوز پایداری و پیگیری لازم نشان نمیدهند. پیشبرد این کار هم در کولکتیف ها و هم بشکل انفرادی باید به حیث مهمترین وظیفه حزبی تلقی گردد. و کمیته حزبی موظف است این کار را سازماندهد، کنترول کند، نتایج مشخص را طلب نماید که در آخرین تحلیل باید در جلب فعالتر ووسیعتر زحمتکشان واهالی در امر دفاع از انقلاب، ابراز پشتیبانی فزاینده به امر حزب و حاکمیت انقلابی تبارز یابد.

اعتقاد آتشین به حقانیت امر حزب، اطمینان خدشه ناپذیر به پیروزی این امر وهمچنان وفاداری عمیق و صمیمانه به وحدت ایدیولوژیک، سیاسی و سازمانی حزب لازم است. مدرسهٔ آموزش حزبی در عین حال مدرسه وحدت حزبی است. تنها حزب واحد یکپارچه و با دسپلین آهنین قادر است توده های وسیع زحمتکشان را بدور خویش متحد سازد. توده های وسیع با فهم این امر وبا معتقد شدن روز مره به یکپارچگی ومحکمی صفوف حزبی، خود نیز وحدت حاصل میکنند، پراگندگی را که بقایای فیودالیزم و مناسبات طایفوی ـ قبیلوی ایجاد نموده است، رفع مینمایند، عدم اعتماد به قابلیت و استعداد انسان های ساده برای تأثیر بالای امور دولتی ـ اجتماعی را که طبقات استثمارگر اشاعه کرده اند، ازبین میبرند و به اشتراک کنندگان آگاه دگرگونی های انقلابی و طن ودفاع از آن در برابر ضد انقلاب مبدل میگردند.

این امری است که کمیته های حزبی، با سمت دهی کار سیستم آموزش حزبی و با پیوند دادن آن با کار سیاسی وسازمانی دربین توده ها باید مواظبت از آنرا بدوش گیرند.

چهارم اینکه: جلب و تسخیر توده ها، توسعه اشتراک آنان در تکامل انقلاب ودفاع از آن تا حد قابل ملاحظه یی وابسته به آنست که سیاست اجتماعی ـ اقتصادی حزب در عمل تا چه حد موفقانه تحقق می یابد. بنابرین مهمترین سمت کار توده یی ـ سیاسی عبارتست از بسیج زحمتکشان برای انجام وظایف مشخص: اجرای پلانهای تولیدی، بازسازی پروژه هاییکه توسط ضد انقلاب تخریب شده، اجرای اصلاحات ارضی و آب، انجام امور آبیاری، ایجاد کوپراتیف ها، رشد صنایع محلی و پیشه وری و غیره. برای اعتلا و رونق زندگی اقتصادی مساعی بزرگ لازم است. بدون آن، شعار های ما در فضا معلق خواهند ماند و توده ها بدنبال ما نه خواهند رفت. به همین سبب است که باید کار توده یی ـ سیاسی با فعالیت مشخص، جدی وثمربخش اقتصادی پیوند داده شود.

متأسفانه در پراتیک کار بسیاری از کمیته های حزبی به این امر توجه لازم مبذول نمیگردد. کار تبلیغی وترویجی عمدتاً به تدابیر جداگانه، پراگنده و یکباره منتهی می گردد ودر جهت ارتقای سطح فعالیت زحمتکشان در اجرای وظایف مشخص اجتماعی ـ اقتصادی سوق داده نمیشود.

شما اطلاع دارید که فردا در اجلاسیهٔ شورای انقلابی، پلان رشد اقتصادی واجتماعی ج.د.ا، برای سال ۱۳٦٤، مورد بررسی قرار میگیرد. وظایف جدی مطرح است. مخصوصاً به خاطر اینکه از سال ۱۳٦٥ اجرای پلان پنجساله که همین اکنون تحت طرح وتدوین قرار دارد، آغاز می یابد، وما باید درسال آینده مبانی لازم را برای تعرض وسیع بر علیه عقبماندگی، عدم رشد اقتصادی وبرای تأمین ترقی همه جانبه وطن محبوب ما افغانستان مهیا سازیم.

کمیته ها و سازمان های حزبی باید همه اقدامات لازم را در جهت بسیج توده ها برای اجرای پلان های مطروحه برای ارتقای سطح فعالیت زحمتکشان در این مهمترین امر انجام دهند.

رفقا!

تقویت و تشدید کار سیاسی حزب دربین توده ها و ارتقای سطح فعالیت سیاسی آنان شرط ضروری حل پرابلم عمدهٔ ما یعنی پروبلم عادی ساختن اوضاع در کشور، سرکوب ضد انقلاب و استقرار صلح پایدار است.

زندگی نشان میدهد که منبع اساسی قابلیت نسبی حیات و فعالیت باند های ضد انقلاب، کمکی است که از خارج دریافت میدارند. اگر جریان دایمی پولی، وسایل مادی ـ تخنیکی، کادر های خرابکاری که تربیت مخصوص دیده اند، از خارج وجود نمی داشت، تاکنون باند های ضد انقلاب سریعاً از پا می افتیدند، امکان تجدید و احیای ضایعات انسانی و مادی را از دست می دادند و مجبور میشدند که مقاومت دربرابر حاکمیت انقلابی را قطع کنند.

ما می بینیم که محافل حاکمهٔ ایالات متحده امریکا، بعضی از کشور های ناتو و وابسته، چین وهمچنان ارتجاع منطقه کمک به ضد انقلاب افغانی را به طور قابل ملاحظه افزایش بخشیده اند. در چند سال اخیر امپریالیزم امریکا و متحدین آن بیش ازیک میلیارد دالر را برای پیشبرد جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان به مصرف رسانیده اند. این مبلغ شش برابر به اصطلاح کمک ایالات متحده امریکا به افغانستان در ظرف بیست سال قبل از انقلاب ثور است. ایالات متحده تنها درسال ۱۳٦٤ به صورت علنی برای ضدانقلاب افغانستان مبلغ ۲۸۰ میلیون دالر را تخصیص داده است.

این یک واقعیت است که مقیاس جنگ اعلام ناشده ارتجاع و امپریالیزم علیه افغانستان دایماً توسعه می یابد.

باند های ضد انقلاب به کمک امپریالیزم جهانی و ارتجاع منطقه امکان ارتقای سطح تجهیز خود را با جدید ترین سلاح ها ووسایل تخنیکی بدست می آورند. از مراکز آموزشی و تسلیحاتی که در خاک پاکستان و ایران قرار دارند سالانه هزاران اجیر که به وسیله امربیون نظامی خارجی تربیت شده اند وتعداد بزرگ سلاح، مهمات وسایر وسایل نظامی به قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان ارسال می گردند. در این اواخر ارسال انواع مختلف سلاح های ثقیل منجمله وسایل مدرن ضد هوایی و ضد تانک افزایش قابل ملاحظه یافته است. فقط چند مثال می آوریم. در سال جاری درجریان عملیات نظامی اردوی ما به تعداد زیاد انواع سلاح ها و مهمات یا از نزد ضدانقلاب بدست آورده است ویا آنرا نابود کرده است.

سوال می شود: آیا باند های ضد انقلاب می توانستند این ضایعات را جبران کنند، اگر کمک دایمی و روز افزون از خارج کشور وجود نمی داشت؟

تاکتیک ضد انقلاب مسلح چگونه است؟

عمدتاً ضد انقلاب بالای جنگ طولانی فرسایند ه اتکا دارد. تاکتیک آن ها چنین است که ازمقابلهٔ مستقیم با نیرو های منظم دولتی که تفوق دارند، دوری می جویند، اما تلاش میورزند تا با تمام وسایل و از همه طرق اوضاع را با عدم استقرار مواجه سازند، بشکل گروپ های کوچک تخریبی و تروریستی عمل نمایند، پروژه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تخریب کنند، طرفداران حاکمیت انقلابی را از بین ببرند، اهالی را تحت فشار قرار دهند و تأمینات و انتقالات ترانسپورتی را بر هم زنند.

تجربه تاریخی نه تنها انقلاب ما، بلکه سایر انقلاب ها می آموزد: سرکوب ضد انقلاب مسلح که از خارج نفوذ میکند تنها با عمل مشترک نیرو های مسلح ونیروی خلق ممکن است. این حقیقت در مورد ما نیز صدق میکند. مهمترین سمت کار توده یی ـ سیاسی و دفاعی ما نیز از همین امر ناشی میگردد.

لذا برای سرنوشت انقلاب ما، برای تکامل آن و دفاع از آن کار سیاسی وسازمانی در بین مردم اهمیت مرگ وزندگی دارد. که قبلا در باره آن صحبت شد.

جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان، جنگی است که در آن از جدید ترین سلاح ها و اجیران و قاتلین حرفوی خاص و باند های تربیت شده علیه ما استفاده میشود. مبارزه با آنها قوای مسلح بزرگ و قوی را می طلبد. همین نیرو های مسلح هم مسوولیت اساسی به خاطر دفاع از وطن و تأمین امنیت آنرا دربرابر دشمنان تجاوزگر خارجی بدوش دارند. بنابرین در وضع کنونی تحکیم قوای مسلح مهمترین، اساسی ترین و حیاتی ترین وظیفه حزب و حکومت، تمام ارگان های حزبی ودولتی و تمام سازمان های اجتماعی هم در مرکز وهم در محلات، بوده، هست و خواهدبود.

دراین عرصه بدرجهٔ اول مسأله جلب و احضار به اردو، خارندوی وخاد امریست که باید مورد توجه عملی جدی ودر دستور روز قرار داشته باشد.

یکی از علل ضعف در این است که ارگان های حزبی ودولتی ایکه جلب و احضار را پیش میبرند، به آن تنها به حیث اقدام سازمانی و تخنیکی بر خورد نموده و فراموش میکنند که جلب واحضار امر جدی سیاسی است که با اجرای وجیبه وطن پرستانهٔ ارتباط دارد. این بدان معنی است که پرورش احساس وطن پرستی در مردم ما و آمادگی برای به پا خاستن برای دفاع ازوطن در لحظات ضروری، پرورش عشق و فداکاری درونی برای قرار گرفتن در صفوف قوای مسلح پر افتخار ما بخصوص هنگامیکه وطن در برابر خطر قرار دارد، هنوز ضعیف است. موثریت کار توده یی ـ سیاسی دربین اهالی، تربیت نظامی ـ وطن پرستانه جوانان هنوز هم در سطح خیلی نازل باقیمانده است.

فقط در این اواخر نخستین گروه افسران برای تدریس امور نظامی به موسسات تعلیمی معرفی شدند. ضمناً اکثریت آنان هنوز کار عملی را آغاز نکرده اند، این یک مثال برخورد غیرمسوولانه، غفلت وبی پروایی نسبت به امرمهم تربیت نظامی ـ وطن پرستانه از جانب رفقایی میباشد که اینکار به ایشان سپرده شده است.

علت دردناک و جدی دیگر ضعف کار جلب و احضار در این است که کمیساری های موظف برای این امر مقدس هنوز به مراکز واقعی ثبت و شمار مجلوبین، کار نظامی ـ وطن پرستانه باآنان و سازماندهی جلب واحضار آنان به قوای مسلح مبدل نشده اند. میتود های فعالیت کمیساری ها هنوز هم شکلی دفع کننده نه جلب کننده و بیروکراتیک است.

در اکثریت ولایات بین ارگان های حزبی ودولتی، سازمان های اجتماعی و کمیساری های نظامی مناسبات لازم برای کاروفعالیت وطن پرستانه بوجود نیامده است. آنها جدا و مجزا از یکدیگر عمل میکنند، تدابیر مشترک مخصوصاً در عرصه کار با مجلوبین واهالی را به ندرت سازمان میدهند.

ارگان های حزبی ودولتی نیز به نوبه خود باید برای اجرای پلان های مطروحه جلب واحضار، فعالتر، وطن پرستانه تر، انقلابی تر وباعلاقه مندی بیشتر کار کنند. کمیسیون بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در امور جلب و احضار و شعبه دفاع و عدل کمیته مرکزی باید کار وزارت ها وادارات، ارگان های حزبی و دولتی در محلات را در مورد اکمال صفوف قوای مسلح ج.د.ا.، به طور جدی تر و مشخص ترکنترول نمایند، سازمان دهند و هم آهنگ سازند.

یک علت دیگر را نیزخاطر نشان میسازم، تا هنوز هم بالای اکمال قوای مسلح ما این وضع تاثیر منفی دارد که قوماندانی ها، ارگان های سیاسی و سازمان های حزبی اردو، خارندوی وخاد برای تحکیم وتوسعه ارتباط و پیوند قطعات و جزو تام ها با زحمتکشان واهالی کار موثر وپیگیر نمی نمایند.

درین باره در چارد همین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. با تفصیل صحبت شد. باید یاد آور شد که هنوز هم در عرصه بر قراری وتوسعه ارتباط بین قوای مسلح واهالی بدرستی پیش برده نمیشود. یعنی وحدت قوای مسلح با مردم هنوز طور شاید و باید وجود ندارد و همین امربر بهبودی وضع اکمال قوای مسلح تاثیر منفی وارد میکند.

درست است که وقتاً فوقتاً کار با مردم پیش برده میشود ولی مهمتر از همه این است که نتایج آن تثبیت و توسعه نمی یابد. قوماندانی ها، ارگان های سیاسی، سازمان های حزبی، قطعات و جزو تام های قوای مسلح همراه با ارگان های محلی حزبی موظف اند که خصلت دایمی، پلان شده، پیگیر و متداوم این کار را تامین کنند تا به طور حتمی موجب تحکیم و توسعه پیوند قوای مسلح بامردم، ارتقای اعتبار خدمت بوطن در صفوف قوای مسلح گردد. باید در زمینه، رهنمود های صریح و عملی برای قوماندانان، آمرین سیاسی تدوین گردد که مطابق به آن باید میتود واسلوب کار و برخورد با مردم را در سطح عالی پرولتری یک قوای مسلح طراز نوین مشخص سازد. به تاکید خاطر نشان میگردد که باید از جانب قوماندانی ها، ارگان های سیاسی، کمیته های حزبی قطعات و جزو تام های اردو، خارندوی، خاد به امر اکمال قوای مسلح وبه وضع مجلوبین توجه بزرگ، برخورد واقعاً دلسوزانه، برادرانه و علاقمندی نشان داده شود. اما چنین برخوردی هنوز، همیشه صورت نمی گیرد.

موازی باتحکیم و تقویت اردو، خارندوی وخاد که باید به صورت عام و تام تحت رهبری حزب اجرای وظیفه نماید، لازم است جدی ترین توجه به رشد بیشترهمه اشکال اشتراک زحمتکشان واهالی در دفاع از انقلاب صورت گیرد. در این امرقبل از همه نتایج کار سیاسی ما دربین توده ها در شرایط مبارزه علیه باند های ضد انقلاب، انعکاس مشخص می یابد. در جریان امسال در تعداد افراد، گروه های دفاع از انقلاب هزاران تن افزوده شده است. تشکیلات دفاع خودی به طور نسبی رشد نموده، بریگاد های حفظ نظم اجتماعی جوانان افزایش

(ص٤)

دربارهٔ تشدید کار حزب در بین توده های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب

(بقیهٔ صفحه سوم)

یافته و همچنان تعداد افراد قطعات منطقوی و ملیشا نیز افزایش می یابد.

چنانکه می بینید پیشرفت وجود دارد. اما آیا این پیشرفت می تواند موجب رضایت ما گردد؟ در حالیکه وظیفه عمده اجرا نشده است. زیرا اهمیت اصلی اشکال ملکی و توده یی دفاع از انقلاب در آنست که در همه جا وجود داشته و فعالیت نمایند، تا باند های مسلح ضد انقلاب هیچگاهی امنیت و مصوونیت احساس نکنند، تا در هر جاییکه آنها تلاش ورزند اعمال سیاه و ننگین را انجام دهند مواجه با پاسخ دندانشکن گردند. کار را این طور باید سازمان داد.

همه کمیته ها و سازمان های حزبی، ارگان های دولتی، ارگان های قوای مسلح و سازمان های اجتماعی موظف اند برای جلب توده ها به امر دفاع از انقلاب بطور دایمی، روز مره و پیگیر کار نمایند، همه اشکال اشتراک توده ها را در این مهمترین امر تحکیم و توسعه بخشیده فعال سازند، به تامین مادی - تخنیکی تشکیلات مسلح ملکی، به سازماندهی درست فعالیت آنها، به کار سیاسی در بین آنها توجه جدی مبذول دارند.

رفقا!

اکنون اجازه دهید در بارهٔ مساله بسیار مهم ملی - تاریخی یعنی در بارهٔ تدابیر خاصی که ما باید جهت تامین امنیت ج.د.ا. بنا بر توسعه مقیاس جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان و نفوذ ضد انقلاب مسلح از خارج اتخاذ نماییم و تحقق بخشیم، صحبت کنیم. ما باید در برابر تلاش های امپریالیزم و ارتجاع منطقه جهت دوام خونریزی و رنج و عذاب مردم و جلوگیری از عادی شدن اوضاع در کشور ما سد استوار و مطمئن ایجاد کنیم.

بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، بر مبنای منافع علیای حاکمیت دولتی ج.د.ا، و حاکمیت ملی، انقلاب و امنیت وطن و دفاع از وجب وجب خاک وطن و به منظور سرکوب قطعی ضد انقلاب، صادر شده از خارج ضرور می شمارد تا جهت محافظت، ستر و دفاع مؤثر سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان که نیرو های امپریالیستی و چین آنرا به پایگاه اساسی تجاوز و مداخله خارجی در امور داخلی ما مبدل ساخته اند، همچنان جهت محافظت بخش های سرحدات با ایران تدابیر قاطع و عاجل اتخاذ گردد. باید توجه داشت که در تمام سیر تاریخ ملی کشور ما این اولین گام و نخستین و حیاتی ترین تصمیم قاطع افغانستان بنابر اراده ملی خلق افغان بشمار میرود. اکنون در باره بعضی مسایل اصولی تدابیری که اتخاذ میگردد، صحبت می کنم.

نخست اینکه هدف و ماهیت این تدابیر را قطع نفوذ باند های مسلح ضد انقلاب صادر شده از خارج به قلمرو افغانستان، جلوگیری از ارسال اسلحه و مهمات به این باند ها تشکیل میدهد. در حال حاضر صدور وسایل کشنده و خرابکارانه ضد انقلاب مسلح به خاک کشور ما از پاکستان عملا صورت می گیرد. ما باید قوای سرحدی خود را تحکیم و تقویت بخشیم و خوب مجهز سازیم. باید اشتراک مساعی مطمئن را بین آنها از یک جانب وقطعات و جزو تام های اردو، خارندوی و خاد را از جانب دیگر تامین و بر قرار سازیم و به وضعی نایل آییم که دشمن در صورت تجاوز از بر سرحدات ما با دفاع نیرومند همه جانبه، پیگیر و پایدار مواجه گردد.

دوم اینکه محافظت و دفاع از سرحدات ما نه تنها باید کار قوای سرحدی، اردو، خارندوی و خاد باشد، بلکه به امر حیاتی اهالی به امر دفاع از شرف و ناموس و خاک مقدس وطن، یعنی به امر قبایل ساکن این مناطق سرحدی مبدل گردد. در این امر منافع اساسی قبایل غیور تمند و دلیر و شریف پشتو ن و بلوچ و دیگر اقوام وطن پرست افغان بطور عام و تام و کاملا با منافع و اهداف حاکمیت انقلابی ما مطابقت دارد. ضد انقلاب مسلح و بادارا ن خارجی آن می خواهند مناطق قبایلی را به مناطق جنگ و خونریزی مبدل سازند، پلان های آنها تنها تخریب، خون ریزی و مرگ ببار می آورد.

موقف دولت ما صریح و دقیق بیان شده است. ما طرفدار صلح در کشور و در سرحدات خود میباشیم. ما طرفدار مناسبات پایدار و متقابلا مفید با قبایل نجیب می باشیم و در وجود آنها مدافعین ملی - تاریخی آزادی و استقلال وطن مشترک و واحد ما افغانستان را در سرحدات آن می بینیم. آرامش و نظم در سراسر مناطق سرحدی ضرورت است. توافق هموطن و تفاهم و همکاری پایدار میان قبایل و حاکمیت انقلابی لازم است.

سوم اینکه حزب و حاکمیت انقلابی ما با اتخاذ تدابیر ضروری جهت محافظت و دفاع سرحدات اعلام میدارد و تضمین می کند که هنگام تحقق این تدابیر منافع تاریخی - ملی عنعنوی قبایل توأم با موقف و وفاداری و همکاری آنها با دولت ج.د.ا، مدنظر گرفته میشود و رعایت میگردد. به هیچکس حق مداخله و تجاوز به امور عنعنوی، رسوم، اصول افغانیت و عقاید قبایل اجازه داده نمیشود. پیوندها و روابط سنتی موجود قبایلی، تجاری، اقتصادی، فرهنگی و خویشاوندی و همچنان راه های عبور کوچی ها از جمله اهالی بومی حفظ خواهد شد. در عین زمان کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، وحکومت ج.د.ا، متکی بر آنند که قبایل سرحدی در مجموع جمهوری دموکراتیک افغانستان را وطن خود میدانند، از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن پشتیبانی مینمایند و هیچگاه به میل و ارادهٔ خود به اقدام مسلحانه علیه نظام انقلابی ج.د.ا، دست نمی‌زنند.

چهارم اینکه ارگان های حزبی و دولتی موظف اند سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا، در رابطه با قبایل و اقوام را بطور اصولی، پیگیر و عادلانه تحقق بخشند. وظیفه آنهاست تا مناسبات با قبایل را در حدود صلاحیت خویش سازمان دهند و تحکیم و رشد بخشند. همه مواد پروتوکول ها و توافقات با قبایل باید از طرف همه ارگان های دولتی به طور بلاقید و شرط رعایت گردد. مواد غذایی، مواد سوخت البسه و سایر کالا ها که برای قبایل به منظور تجارت با آنها ویا بشکل کمک تخصیص داده شده و می شود باید کاملا و در مدت تعیین شده در محل به ریش سفیدان و یا نمایندگان باصلاحیت قبایل تسلیم گردد. به اساس توافق و اقناع قبایل در عرصه صحت و تعلیم و تربیه و دیگر خدمات اجتماعی و کلتوری و کمک ها بمنظور رشد اقتصادی بذل کمک صورت گیرد.

در این رابطه بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا، موارد عدم اجرای تعهدات ارگان های دولتی را هیچگاه اجازه نخواهد داد.

تمام سیاست ما که احکام اساسی آن در اسناد کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و حکومت ج.د.ا، در مورد ملیت ها، اقوام و قبایل طرح و توضیح شده است ناشی از اعتماد، توجه و مواظبت به آنها و توجه به آیندهٔ سعادتمند آنها می گردد. اما این بدان معنی نیست که حکومت ج.د.ا، نسبت به کسانیکه از این اعتماد و توجه سوء استفاده می کنند، برخورد بیش از حد نرم می نماید. بگذار هیچکس اشتباه نکند و تردید نداشته باشد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابی کسانی را که تلاش ورزند در قبایل جدایی طلبی را تحریک کنند، آنها را در برابر انقلاب مردم و وطن واحد و مشترک مان قرار دهند عادلانه و به طور کامل مجازات خواهند کرد.

دفاع از منافع حیاتی قبایل، دفاع از مناطق زندگی و کوچ آنها در برابر تجاوز مسلحانه و مداخله از خارج وظیفه همه ارگان های حزبی و دولتی است. این خواست سیاسی و حزبی ماست.

قوماندانان جزو تام های سرحدی وارد و باید با اشخاص با اعتبار و بانفوذ و ریش سفیدان قبایل تماس های محکم داشته نسبت به نیازمندی ها و خواسته های اهالی قبایل با احترام و تفاهم برخورد نموده و از فعالیت هاییکه موجب خساره غیر موجه به قبایل می گردد، جلوگیری کنند. البته در هر حالتی و شرایطی باید خدمت سرحدی با هشیاری و به طور موثر پیش برده شود و وظایفی که در برابر قوای سرحدی قرار دارد به طور بلا قید و شرط اجرا گردد.

پنجم اینکه محافظت و دفاع مطمئن سرحدات ما، پروبلم کمپلکس و ذوجوانب است که نه تنها اقدامات نظامی - تخنیکی بلکه تدابیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را نیز در بر میگیرد.

موفقیت ما در مبارزه علیه ضد انقلاب در داخل کشور، در امر اعتلا و تحکیم اقتصاد و ارتقای سطح زندگی مردم وابسته به اجرای فوری و موثر این تدابیر است.

از همین جا وظایف فوری وجدی حزب، همه ارگان های حزبی و دولتی، وزارت ها و ادارات، سازمان های اجتماعی در مناطق سرحدی نیز روشن می شود.

وزارت دفاع باید تدابیر جدی را برای ارتقای سطح آمادگی قوای سرحدی و بهبود زندگی منسوبین و خانواده های آنان اتخاذ نماید. توجه بخصوصی به بهبود کار سیاسی - تربیتی در قوای سرحدی، ارتقای سطح دسپلین و سازمان پذیری آنها مبذول دارد.

قوای سرحدی در امر محافظت و دفاع سرحدات باید بر اهالی اتکاء و با آنها پیوند و ارتباط دایمی و زنده داشته باشند. این امر کار بزرگ تبلیغی، ترویجی و سازمانی از جانب کمیته های حزبی منطقوی، ارگان های سیاسی و سازمان های حزبی قوای سرحدی را می طلبد، لازم است که اهالی منسوبین قوای سرحدی خود را بشناسند، در بارهٔ کار قوای سرحدی بدانند و مفهوم عالی این وظیفه را درک کنند و به آن مساعدت نمایند.

اشکال موثر، قابل درک برای اهالی و عنعنه پر افتخار، اشتراک اهالی مناطق قبایلی در امر دفاع از امنیت وطن و استقلال آن وجود دارد. این ها قطعات داوطلب قبایلی و ملیشای سرحدی اند. اکنون که قوای سرحدی ایجاد شده و فعالیت میکنند، این تشکیلات داوطلب شامل سیستم عمومی ملی محافظت و دفاع سرحدات گردیده و در آن مقام شایسته و محترم را احراز مینماید. وزارت اقوام و قبایل ج.د.ا، ارگان های حزبی و دولتی در محلات موظف اند همه نیرو و مساعی خویش را برای سازماندهی و تامین این تشکیلات وطن پرستانه بخرج دهند، به افزایش تعداد و آمادگی آنان کمک نمایند.

کار سیاسی در بین آنها اهمیت فوق العاده دارد. هر جزوتام قبایلی، هر قطعه ملیشای سرحدی اتحاد وطن پرستانی است که باید تاثیر و نفوذ آن بر اهالی مناطق قبایلی دایماً رو به افزایش باشد. کارکنان سیاسی که به این تشکیلات فرستاده میشوند باید بطور پیگیر، با حوصله و با تهذیب و ادب و رعایت عنعنات برای رشد خود آگاهی سیاسی پرسونل این جزوتام ها و قطعات و برای ایجاد سازمان های حزبی در بین آنها کار کنند.

برعلاوه خود زندگی، تحکیم ارگان های حزبی و دولتی را در مناطق سرحدی و مخصوصاً در ولسوالی ها و علاقه داری های سرحدی می‌طلبد، این ارگان ها با اهالی پیوند ضعیف دارند. نمایندگان وزارت اقوام و قبایل در محلات در اکثر موارد بطور غیر فعال، با سستی و کندی کار میکنند. فعالیت آنان در امر ایجاد ارتباط با قبایل و طرح مسایل بشکل کمپلکس در برابر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و حکومت جهت تحقق کنترول و سازماندهی اجرای تصامیم دولتی در رابطه با مناطق مذکور موثریت کافی ندارد و بالای وضع امور اثر قابل ملاحظه نمی گذارد. چنین وضع غیر قابل تحمل است. شعبات کمیته مرکزی، شورای وزیران، کمیته های حزبی ولایتی، ارگان های محلی حاکمیت باید بر خورد خود را نسبت به کار در مناطق سرحدی از ریشه تغییر داده و تدابیر موثری را جهت بهبود وضع موجود اتخاذ نمایند.

باید به ایجاد توسعه و تحکیم مناسبات با بزرگان و سرکرده گان قبایل، با ملا ها و روحانیون مناطق قبایلی، توجه جدی و درجه یک مبذول گردد، در سال جاری در نتیجه مساعی وزارت اقوام و قبایل، قرارگاه های زونها و ولایات تعداد زیاد جرگه های دایمی سران و ریش سفیدان در ولسوالی ها و علاقه داری های ولایات سرحدی کشور ایجاد گردیده است. وظیفه اینست که نقش این جرگه ها در تحکیم روابط ارگان های حزبی و دولتی با اهالی، در حل پرابلم های مبرم مناطق سرحدی ارتقا یابد.

لازم است که سران قبایل، اعضای جرگه های دایمی با اجرأت بیشتر در ارگان های محلی حاکمیت در ولایات، ولسوالی ها و علاقه داری ها، در ارگان های رهبری جبهه ملی پدر وطن پیش کشیده شوند. یعنی آنان به همکاری فعال با حاکمیت انقلابی بر مبنای علاقمندی مشترک در حل پروبلمهای محلی و رفع نیازمندی ها و ضروریات مبرم اهالی جلب گردند.

در آنجا ییکه ارگان های محلی حاکمیت دولتی در همکاری با جرگه های سران و ریش سفیدان انتخابی و انتصابی، قریه داران، ولسوالی ها و علاقه داران را سازمان میدهند و از طریق آنها پرابلم های مبرم اهالی را حل و فصل می کنند، در آنجا مردم نیز به همکاری فعال با حکومت آغاز می نمایند و ارگان های حزبی و دولتی تاثیر و نفوذ خود در برتوده های قبایل تحکیم می بخشند.

در کار با اهالی مناطق سرحدی که از لحاظ اقتصادی شدیداً عقب مانده است، لازم است تا برنامه رشد این مناطق باپیگیری تعقیب و تدابیر موثر اقتصادی اتخاذ گردد، سعی حتمی صورت گیرد که اهالی توجه و مواظبت حزب و حاکمیت را احساس نمایند و ببینند که مسایل مهم آنها واقعاً به نفع و به اشتراک خود شان حل و فصل میگردد.

حکومت ج.د.ا، علی الرغم محدودیت موقتی امکانات ما در شرایط جنگ اعلام ناشده و ترور اقتصادی باند های ضد انقلاب باز هم دایماً مواد غذایی، لباس و سایر کالاها و مواد را به مقدار قابل ملاحظه برای اهالی قبایلی تخصیص میدهد، تدابیری جهت حفر و ساختمان چاه های ارتیزین برای آبیاری چراگاه ها، بهبود خدمات وترنری، سازماندهی مراکز صحی، اعمار مکاتب و غیره طرح و تحقق پذیرفته است.

اما در عمل ما مواردی از عدم اجرای فیصله های دولتی در جهت اعطای مساعدت اقتصادی در مناطق قبایلی را مشاهده میکنیم. ما از سازمان های حزبی و دولتی تطبیق نظم و انضباط جدی را در این مسأله می طلبیم.

لازم است که سیستم انتقال، ذخیره کردن، حفظ و نگهداشت و توزیع کالاهای مورد ضرورت اولیه در ولایات سرحدی به جدی ترین ترتیب تکمیل و بهبود یابد. این کالا ها و همچنان کمک های بلاعوض بدرجه اول باید در بین اهالی قبایلی که با حکومت ج.د.ا. فعالانه همکاری دارند، در بین خانواده های آنانیکه مسلحانه از دستاورد های انقلاب ثور دفاع می‌نمایند، عادلانه توزیع شوند.

مسأله دریافت و بسیج وسایل ترانسپورتی بشمول ترانسپورت قبایلی برای ارسال کالا ها به مناطق سرحدی کشور وانتقال محصولات مناطق قبایلی به کابل و سایر مناطق کشور باید مورد توجه خاص قرار گیرد. نه تنها رهبری وزارت ترانسپورت، بلکه قوماندانی قوای مسلح کشور نیز می توانند و باید این مسایل مهم را حل و فصل کنند.

به طور عموم کمپلکس مغلق و پیچیده تدابیر دارای خصلت سازمانی - سیاسی، اجتماعی اقتصادی، تبلیغی و ترویجی، بهبودی بیشتر و قاطع فعالیت و رشد هم آهنگی وزارت ها، ادارات، ارگان های محلی حزبی و دولتی را می طلبد.

بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، اهمیت درجه یک را به حل و فصل پروبلم های اجتماعی - اقتصادی اهالی مناطق سرحدی قایل است و آنرا امر تمام حزب، امر دارای اهمیت برای حاکمیت دولتی میداند.

بالاخره باید اهالی مناطق قبایلی در باره حقیقت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، در بارهٔ وضع کشور، جنایات ضد انقلاب و پلانها و توطئه های شوم و سیاه بادارا ن خارجی آن که تلاش می‌ورزند انقلاب ثور ما را سرکوب و وطن ما را به خون وطنپرستان آغشته و بعداً آنرا تجزیه کنند، بهتر آگاه و مطلع شوند. باید در نظر داشت که مناطق سرحدی مورد تجاوز و مداخله و به خصوص مداخلهٔ شدید ایدیولوژیک امپریالیزم و ارتجاع منطقه قرار دارند. آنان تلاش می ورزند عدم اعتماد و خصومت نسبت به انقلاب ما و نظام نوین مولود انقلاب را به اهالی این مناطق تلقین و تحمیل کنند، ماهیت سیاست حزب و حکومت ج.د.ا. را تحریف و این موضوع را تلقین نمایند که گویا نظام انقلابی دشمن سنن مردم و دین مقدس اسلام است. ما باید به این خرابکاری های ایدیولوژیک پاسخ لازم بدهیم. با اهالی قبایل بزبان ساده و قابل فهم صحبت کنیم و حقیقت انقلاب را با طرق و شیوه های موثر با قلوب و عقول انسان های ساده یکجا سازیم. همزمان با بهبودی تبلیغات و ضد پروپاگند، افشای مداخلات امپریالیستی و ارتجاعی در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان، لازم است توضیح درست خصلت مثبت و ضروری تدابیر در جهت ستر سرحدات دولتی ج.د.ا. که بنفع اهالی زحمتکش قبایل صورت می گیرد، پیش بینی گردد.

کمیتهٔ دولتی رادیو - تلویزیون و سینماتوگرافی و وزارت مخابرات باید هرچه زودتر رادیو های محلی را از لحاظ وسایل مادی - تخنیکی تامین نمایند. ما باید در مجموع کار تبلیغی و ترویجی خود را در تمام جهات فعالتر ساخته و به سطح نوین و عالی تر ارتقا بخشیم و آنرا به سلاح نیرومند مبارزه علیه خرابکاری های ایدیولوژیک امپریالیزم، هژمونیست های چین و ارتجاع منطقه، به سلاح مبارزه بخاطر آرمان های انقلابی ما، به خاطر دفاع از حق ما برای اعمار آیندهٔ درخشان به انتخاب و ارادهٔ خود، مبدل سازیم. برای این کار باید همه وسایل اطلاعات جمعی ما، همه ارگان های حزبی و دولتی و سازمان های اجتماعی بسیج شوند.

رفقا!

تشدید کار حزب در بین توده ها و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از انقلاب مساله کلیدی است که تسریع پیروزی ما وابسته به آن می باشد. این حقیقت را باید همه کمیته ها و سازمان های حزبی تمام اعضای حزب عمیقاً درک کنند و رهنمای عمل خود قرار دهند و با انرژی تازه، با شور و شوق نوین انقلابی، با اعتقاد به حقانیت امر ما و پیروزی آن در بین توده ها بروند، در اعماق توده ها نفوذ نمایند، توده ها را از لحاظ سیاسی تنویر کنند و برای مبارزه بخاطر امر حزب که امر حیاتی خودشان نیز است، سازمان دهند. ولادیمیر ایلیچ لنین «رفتن در بین همه طبقات اهالی، یاد گرفتن برخورد مخصوصاً پر حوصله و محتاط را برای درک خصوصیات، ممیزات روانی مخصوص هر قشر و هر حرفه» توصیه می کرد. ما در کشور دارای ترکیب پیچیده اجتماعی اهالی بوده، در کشوری که قبایل، اقوام و ملیت های زیاد دارد کار می کنیم. وظیفه ما اینست که آنها را بر مبنای وطن پرستی و انقلابی بخاطر منافع وطن واحد و مشترک مان، بخاطر منافع خود شان متحد و یکپارچه سازیم. به همین سبب نیز بهبود کار توده یی - سیاسی ما و پیشبرد پیگیر، با حوصله و متداوم آن با در نظر داشت خصوصیات، ممیزات، عنعنات و سنن محلی و نیل حتمی به این امر که خود زحمتکشان، اهالی به اشتراک کنندگان فعال تحولات انقلابی، دفاع از انقلاب و وطن مبدل شوند، خواست زمان و ضرورت جدی است. مبارزه به خاطر زحمتکشان، کلید پیروزی هر انقلاب است. ما حتماً به اتحاد و همبستگی هر چه وسیعتر و نزدیکتر با توده های زحمتکش، با همه نیرو های ملی، وطن پرست کشور نایل می گردیم و بر مبنای آن باندهای ضد انقلاب را قلع و قمع می کنیم و به مردم صلح، دوستی، برادری، برابری، آزادی و ترقی و شگوفانی به ارمغان می آوریم! زیرا راه پیروزی نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک ما را هیست بسوی جامعهٔ عادلانه نوین

بیانیهٔ اختتامیهٔ رفیق ببرک کارمل

در پلینوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا.

رفقای گرامی !

نخست میخواهم در این بخش کار پلینوم ما روی یک مسئله مهم صحبت نمایم . آشکار است که افغانها در اندوه و شادی برادران شوروی خود شریك اند . طوریکه اطلاع دارید اینجانب اخیراً به نمایندگی از کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و دولت ج.د.ا. درمراسم تدفین فقید کنستانتین اوستینو ویچ - چرنینکو سابق منشی عمو می کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و صدر هیأ ت رئیسه شورای عا لی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرکت ورزیدم و مراتب تاثرات عمیق و تسلیت کمیته مرکزی حزب ما، حکومت ومردم افغانستان رابه‌مناسبت این ضایعه بزرگ ابراز داشتم .

در جریان مسافرت ، فرصت دست داد تا با رفیق میخائیل سرگیو ویچ گرباچف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ملاقات نمایم .

کمیته‌مرکزی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیم بجا و خردمندانهٔ باانتخاب رفیق گرباچف شخصیت برجسته و سیمای درخشان دارای خصوصیات طراز لنینی در پست عالی منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اتخاذ کرده است. این مطلب رامن صمیمانه در جریان ملاقات ابرازداشتم . رفیق گرباچف صمیمانه‌موضع‌اصولی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در رابطه به پشتیبانی از انقلاب ،آزادی و استقلال ملی ومنافع مردم افغانستان وکمك های همه جانبه اتحاد شوروی رابه ج.د.ا. ابراز داشت وبر دوستی عنعنوی برادرانه افغان - شوروی و توسعه وتحکیم هر چه بیشتر آن تاکید ورزید .

رفیق گرباچف ابراز نمود که رهبری افغان خود در موارد گوناگون کشورخویش مستقلانه تصمیم میگیرند و آنها اندکه خود مسوولین‌امور کشور خویش هستند و با احساس عمیق مسوولیت فعالیت مینمایند .

این سخنان باز هم به ما نشان میدهد که حزب،دولت، خلق برادر اتحاد شوروی رهبری‌شوروی ازاعماق قلب وروح خود در دوستی‌صادقانه وبیغرضانه افغان - شوروی به شیوه لنینی همیشه وفادار اند .

من درجریان مسافرت‌اخیر در مسکو ودر جریان ملاقات ها پرستیژ عالی بین المللی کشور مستقل انقلابی خویشرا یکبار دیگر درك و لمس‌کردم وپشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی را از حزب، دولت، انقلاب و آرمان های مردم ماو آمادگی برای کمك های‌بیشتر، بازهم نیرو مند تر احساس نمودم که باید از آن‌صمیمانه وجاودانه سپاسگذار بود . موضع اصولی اتحاد شوروی در قبال مسایل اطراف افغانستان یکبار دیگر پس‌از ملاقات م.س. گرباچف با اینجانب و همچنان باضیاء - الحق با قاطعیت و صراحت ابراز گردید . رفیق‌م.س. گرباچف در جلسه پلینوم کمیته مرکزی‌حزب کمونیست اتحاد شوروی مورخ ۱۱مارچ ۱۹۸۵ (۲۱ حوت ۱۳٦۳)اظهار داشت :

«حزب کمونیست اتحاد شوروی ما هیتاً یك حزب‌انترناسیونالیست است.دوستان ماکه در خارج عین نظرات را دارند میتوانند مطمئن باشند که در مبارزه بخاطر صلح و ترقی اجتماعی ،حزب لنینی مانند گذشته بااحزاب برادر کمونیستی ، کارگری وانقلابی و دموکراتیك از نزدیك همکاری کرده و درراه اتحاد وهمکاری فعال نیرو های انقلابی میرزمد . » واقعاً که چنین است و حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، حکومت ومردم افغانستان نیز چنین اطمینان را دارند .

رفقا !

در جلسه پلینوم حاضر کمیتهٔ مرکزی حزب ،مسا موضوع خیلی با اهمیت یعنی تشدید کار حزب دربین توده های مردم وارتقای فعالیت آنها در دفاع ازوطن وانقلاب را مورد بحث وبررسی قرار دادیم . اکنون که به پایان جلسه میرسیم لازم است تا نکات اساسی در رابطه به موضوع مورد بحث‌جمعبندی وبر جسته گردد .

فکر میکنم که اکنون دیگر ضرورت تشدید کار حزب دربین توده ها، نقش ووظایف حزب، ارگان های دولتی و سازمان های اجتماعی‌توده‌ای در بسیج نمودن زحمتکشان، در مبارزه بخاطر ایجاد شرایط صلح آمیز برای کار و زندگی مردم بدرستی درك شده باشد . زیرا دراین ارتباط کار زیادی‌در حزب انجام گرفته و فیصله های متعددی بعمل آمده‌است .

ضرورت تشدید مبارزه علیه باند های ضد انقلابی مسلح ، تجرید اجتماعی و قطع‌نفوذ آنها دربین مردم وپایان بخشیدن به جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان، کار وسیع و پیگیر سیاسی را از جانب ما در میان توده های مردم بخاطر ارتقای سطح فعالیت آنها و جلب آنها در پروسه انقلابی و به دفاع از انقلاب ، میطلبد .

کار سیاسی و تربیتی در بین توده ها واجرای وظایف مربوط به سمتدهی سیاسی آنهابه‌اشکال وطرق‌متنوع‌باید انجام‌میگیرد . رعایت بلا - انحراف منافع زحمتکشان نه تنها یکی از اشکال مهم جلب اعتماد مردم بلکه وظیفهٔ اساسی هر انقلاب واقعی وهر انقلابی واقعی است‌.در نظر گرفتن خصوصیات ، سنن و عنعنات ملی و مذهبی مردم به‌منظور تشدید تأثیر ایدیولوژیك بالای توده ها و جلب ایشان بخاطر اعمار یك افغانستان نوین یکی از شیوه‌های موثر انجام کار توده ای - سیاسی دربین اقشار مختلف مردم میباشد .

سازمان های حزبی نه تنها سازماندهندهٔ کار توده ای میان مردم بلکه نیروی عمده پیشبرنده این‌امر نیزهستند. بدین جهت لازم است که حزب و وحدت آن بیش از پیش‌از لحاظ ایدیولوژیك،سیاسی وسازمانی تحکیم یابد،صفوف حزبی و شبکه های سازمان های حزبی در محلات رشد نمایند و فعالیت آنها تشدید گردد . برای کسب آمادگی جهت انجام کار توده ای - سیاسی میان مردم ضرورت است که در محیط حزبی وظایف مربوط به تقویت‌کار ایدیولوژیك،سیاسی‌وتربیتی انجام گیرد ، سیستم تعلیم و تربیت حزبی بهبود یابد، با کادر های تبلیغ و ترویج کار عمیق تربیتی صورت گیرد ، شیوه های کار باعلاقمندان و هواداران حزب بهتر گردد و رهبری حزبی بروسایل‌ارتباط جمعی تامین شود .

باید در نظر گرفت که فعالیت ها ی سیاسی میان مردم نتایج مشخص ببار آورد . جلب توده های مردم ونزدیکی آنان پیرامون حزب ودولت انقلابی باین معنی است که به طور موثر ووسیع از مشی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان و حاکمیت‌انقلابی پشتیبانی نمایند ، به دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب به اشکال وشیوه های مختلف‌برخیزند ، در امر اجرای تحولات اجتماعی - اقتصادی در جامعه شرکت ورزند و عملا به سازمان‌هاو صفوف جبهه ملی پدر وطن‌و سازمان های اجتماعی بپیوندند ، با مشاهدهٔ این چنین نتایج است که‌میتوان موثریت فعالیت ایدیولوژیك توده ای -سیاسی سازمان ها واعضای حزب را ارزیابی کرد .

یکی از جهات بسیارعمده کار سیاسی - اجتماعی‌میان مردم وجلب توده ها بسوی انقلاب توسعه و تحکیم‌حاکمیت انقلابی در محلات ، تشکیل ارگان های محلی قدرت‌وادارهٔ دولتی است . انجام‌انتخابات جرگه ها (شوراهای) محلی قدرت واداره دولتی‌و کمیته های اجرائیه آنها از سطح قراء تا ولایات که در دستور روزما قرار دارد، راه رابرای توسعهٔ و تحکیم حاکمیت انقلابی دولتی‌هموار میسازد ، سطح آگاهی‌سیاسی واجتماعی و فعالیت آنها را ارتقا می بخشد وامکانات برای شرکت نمایندگان‌مردم را در ادارهٔ امور دولت فراهم مینماید .

کار درمیان قبایل مخصوصاً در مناطق سرحدی یکی از بخش های خیلی عمدهٔ فعالیت توده ای‌سیاسی مارا تشکیل میدهد که باید باکار اقتصادی ، خدمات اجتماعی وفرهنگی ، اداری وسازمانی توأم گردد . خصوصیات کار در قبایل را ارگان های حزبی ودولتی ما در مناطق قبایلی باید بدرستی درك‌نمایند . همکاری موثرودوامدار مشران ، روحانیون‌وافراد با اعتبار قبایل با حاکمیت انقلابی باید بر مبنای‌علاقه مندی مشترك در حل مسایل محلی جلب گردد . یکی‌از اشکال عمده کار با قبایل و جلب همکاری آنها ایجاد جرگه های عنعنوی آنهاست. خیلی مهم است که خصوصیات ، سنن عنعنات‌ومطالبات به خصوص قبایل واشکال خاص مناسبات قبایل با حاکمیت دولتی‌جدا در نظر گرفته شود .

اهداف عمده کار با قبایل ارتقای سطح آگاهی‌سیاسی ساکنین مناطق قبایلی و جلب آنان بسوی حاکمیت‌انقلابی، مبارزه بر ضد تبلیغات خارجی ، افشای مداخلات امپریالیستی در امور داخلی ما، قطع نفوذ ضد انقلاب مسلح از خارج کشور وستر سرحدات دولتی ج.د.ا. می باشد . باید از طریق تشدید وتوسعه تأثیر ایدیولوژیك بالای اهالی مناطق سرحدی اهمیت وخصلت مثبت و ضروری اقدامات ما جهت‌ستر سرحدات دولتی درك‌گردد وباآن همکاری صورت‌گیرد.

تدابیر جدی جهت قطع صدور و نفوذ ضد انقلاب مسلح از خارج کشور وستر سرحدات از جانب حزب و حکومت اتخاذ میگردد .ولی اشتراك مساعی ارگانهای حزبی ودولتی و قوای مسلح (اردو ،،خاد و خارندوی) شرط ضرور برای اجرای موفقانه این وظیفه میباشد . ارگان های حزبی ودولتی باید وظایف مبرم خویش را در امر دفاع از انقلاب‌وتحکیم قوای مسلح تشخیص نمایند. تسریع و تشدید پروسه جلب واحضار افراد و تکمیل وتقویت صفوف قوای‌مسلح، تشکیل قطعات ملیشه و قوت های منطقوی و قبایلی گروه های مدافعین انقلاب و دفاع خودی یکی از اشکال‌وشیوه های عمدهٔ جلب توده ها در مبارزهٔ فعال علیه ضدانقلاب مسلح میباشد . آنچه در اوضاع واحوال کنونی وظیفه مبرم و جدی‌و درجه اول تمام ارگان های حزبی ودولتی شمرده میشود و با وظایف دیگر مقایسه شده‌نمی تواند،وظیفهٔ جلب و احضار واکمال صفوف قوای مسلح کشوراست .هنگامیکه‌ازتوجه ومواظبت به‌اکمال قوای‌مسلح ارتقای سطح قابلیت‌محاربوی آن ، بسیج اهالی ومنابع‌مادی جهت تقویت قوای مسلح، به حیث وظیفه درجه اول صحبت میشود وهنگامیکه‌بر اهمیت کار سیاسی - تبلیغی میان‌مردم تاکید میشود باید درنظر داشت که این همه به خاطر دفاع ازسرزمین آبایی ما ودر جهت حمایت از منافع‌زحمتکشان صورت میگیرد .

تازمانیکه مداخلات بیشرمانه امپریالیزم جهانی ومتحدین منطقوی آن در امور افغانستان انقلابی قطع نگردد و تجهیز ، تربیت و صدورباند های ضد انقلاب متوقف ساخته نشود تقویت صفوف قوای مسلح ونیرومندی آنها از وظایف تأخیر ناپذیر ما شمرده میشود .

رفقا !

اجرای وظایف بزرگ مطروحه در پلینوم حاضر‌کار ومساعی بزرگ را از جانب ما میطلبد . اعضای حزب وبه نوبهٔ اول کادر های حزب وشخصیت های حزبی ودولتی باید در همه جا در امراجرای وظایف وطنی به نفع جامعه و توده های مردم نمونه باشند. حزب مشی خویش را درجهت تحکیم دسپلین وارتقای‌سطح مسوولیت در برابر وظایف محوله تعقیب مینماید وعلیه هرگونه بی اعتنایی در برابر وظایف وعدم مسوولیت و تخلف از موازین دسپلین حزبی ودولتی مبارزه‌میکند .

ملاك عمل مترقی بودن ، وطن پرست بودن ،عضوحزب بودن ،خدمت‌صادقانه به‌مردم، اجرای وظایف از روی‌وجدان پاك انقلابی ، رعایت جدی نظم و قانونیت و دسپلین حزبی‌و دولتی ،کار برای‌ارتقای آگاهی سیاسی و فعالیت‌مردم، رشد ابتکارات آنهاو تربیت آنها باروح وطن پرستی و انترناسیونالیستی میباشد.

رفقا !

باآرزوی موفقیت های درخشان جهت‌اجرای وظایف مطروحه در پلینوم و فیصله های‌آن ،کار پلینوم پانزدهم حزب پر افتخار خویش ،حزب دموکراتیك خلق افغانستان رابا پخش سرود انترناسیونال ختم اعلام میدارم .

شاهراه بزرگ اکمالاتی

کار هایی که‌درسالهای ۱٦۱ الی ۱۳٦۳ ، درآمریت‌عمومی حفظ و مراقبت‌سالنگها انجام یافته ، ۲۷ فیصد بیش‌از پلان رانشان میدهد

کوه های شامخ و پوشیده از برف سالنگ‌یکی از شاخه های کوه هندوکش بوده که ۳۵۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع داشته وشاهراه سالنگ از قلب این کوه ها می گذرد که از نگاه انتقال مواد به کابل و دیگر نقاط کشور دارای اهمیت سترا - تیژ یك بزرگی بوده و یکی از بهترین نمونه های کار مشترك و برادرانه مردم افغانستان و شوروی می باشد .

دگر وال جمال الدین آمر عمومی حفظ و مراقبت شاهراه سالنگ در زمینه چنین‌توضیحات داد : شاهراه سالنگ درسال ۱۳۳٦ ازشمال و درسال ۱۳۳۷ از جنوب به کمك تخنیکی دولت دوست اتحاد جماهیر شوروی و بازوان توانای مردم ما به حیث بزرگترین شاهراه إعمار شده إعمار و در سال ۱۳٤۳ به روی ترافیك باز گردید . این شاهراه به طول ۲٦۰۰ متر و ارتفاع ۳۳٦٦ متر به داخل سینه هندو کش از تونل سالنگ عبور می کند .سالنگ دارای اقلیم متفاوت، سرما های شدید پر از برف، یخك ، توفان و دمه وغبار است که حفظ و مراقبت آن مستلزم کار و فعالیت دایمی بوده از ینرو حفظ و مراقبت آن توسط یك تشکیل نظامی تامین میگردد.

این شاهراه ستراتیژ یك از نگاه اکمالات در مقیاس کشور دارای اهمیت بزرگ اقتصادی می‌باشد .سربازان افسران ، کارگران و کارمندان آمریت عمومی حفظ و مراقبت شاهراه با روحیه انقلابی و با قبول زحمات زیاد ، وسرما های طاقت فرسا و غیره مشکلات ناشی ازبرف و توفان مانندسالهای دیگر در طول سال ۱۳٦۳ بی دریغ کار کرده اند و راه را بروی ترافیك باز گذاشته اند که در نتیجه این خدمت گزاری ، دولت انقلابی ، برای کارگران سی و پنجاه فیصد ، برای سربازان صد فیصد و برای مامورین پنجاه فیصد معاش منطقوی را منظور نموده است .

آمر عمومی حفظ و مراقبت شاهراه سالنگ در باره فعالیت های عمده این آمریت به تذکراتش ادامه داده اضافه نمود : این آمریت در دو بخش عمده فعالیت می نماید ، بخش نخست حفظ و مراقبت و باز نگهداشتن شاهراه بروی ترافیك‌است، بخش دوم کار های مارا امور ساختمانی گالری ها،اسفالت و ترمیم اساسی شاهراه، اعمار محلات رهایشی برای کارگران و اعمار گاراژهای وسایط ، دیپو ها و غیره تشکیل میدهد . در بخش اول نه تنها کار های پیشبینی شده شامل پلان اجراء می شود ، بلکه کار های اضافی غیر قابل پیشبینی شده هم اجراء می‌گردد .

به گونه مثال پاك کاری حجم بزرگ برف کوچ های بی سابقه سال ۱۳٦۱ که منجر به تخریب پل سی وپنج متری ((اولنگ)) گردید ، و اعمار دوباره پل اولنگ ترمیم راه ((متك)) دردره غوربند ، ترمیم پل گلبهار بالای‌دریای پنجشیر، پاك‌کاری و تنظیم مسیر راه ((شتل)) در گلبهار ، تحکیم سواحل دریای دوشی و دره های خنجان ، پاك کاری جوی ها و بند های ((آب گردان)) مردم دو شی و برق جبل السراج ، احداث پارك ها ی وسایط در جبل‌السراج ، اولنگ ، دوشاخ خنجان و غیره کار هایی است که خارج از پلان اجراء گردیده است . کارهایی که در سالهای ٦۱ الی‌۱۳٦۳ انجام یافته یکصد و بیست و هفت فیصد بیش از پلان را نشان میدهد که بالاثر ، تعدادی از کارگران وسربازان این آمریت از طرف وزارت فواید عامه ،ریاست عمومی راه و میدان سازی، شورای ولایتی اتحادیه های صنفی و شورای مرکزی اتحادیه های صنفی به اخذ تحسین نامه ها مفتخر گردیده اند و هم یك تن از افسران این آمریت به یك رتبه ترفیع فوق العاده نایل آمده، همچنان این آمریت درمسابقات سرتاسری کارسال ۱۳٦۲ حایز مقام اول گردیده و به اخذ تحسین نامه شورای مرکزی اتحادیه های صنفی و جایزه نقدی یکصد و هفتاد هزار افغانی از طرف کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا .و شورای وزیران ج.د.ا. نایل گردیده‌است .

آمریت عمومی حفظ و مراقبت شاهراه سالنگ دارای سازمان اولیه حزبی، سازمان دموکراتیك جوانان و اتحادیه صنفی می باشد که همیشه همکار و همدوش اداره بوده و فعالیت های خود را طبق پلان به پیش‌می برند . ا

ف . فکرت



مشعل زندگی

سوادمشعل وچراغ‌زندگیست. آموزش سواد در کشور مابه جنبش واقعی تبدیل‌شده‌است.

حزب ودولت انقلابی ما به منظورقلع وقمع ریشه های جهل زمینه های گستردهٔ آموزش همگانی سواد را مهیا ساخته ودر هرکنج و کنار کشور کورس های سواد آموزی راایجاد نموده است‌که مکتب سواد حیاتی خیر خانه مینه یکی ازاین نمونه هاست. عکاسی شریف لطیفی



بهارازراه می رسد . رنجبر پیربا امید بفردای روشن تاك های راکه متعلق بخوداوست می پیراید .
آن دیگر با عزمی آهنین سلاح بردوش از آنچه انقلاب برای اوبارمغان آورده است. جانانه دفاع مینماید .

ملاقات

رفیق عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. معاون شورای وزیران ومعاون انجمن دوستی افغان ـ شوروی بعدا زظهر دیروز، بالادیسلاف ائیکوالایچ مالف، معاون کمیته دولتی تعلیمات‌مسلکی و تخنیکی‌اتحادشوروی‌ملاقات‌کرد.

ضمن این ملاقات ، روی موضوعات مورد علاقه مذاکره صورت گرفت .

در ختم ملاقات یك تابلو از ساخته های هنرمندان اتحاد شوروی که بیانگر روابط وهمسایگی نیك میان افغانستان واتحاد شوروی می باشد، توسط معاون کمیته دولتی تعلیمات مسلکی و تخنیکی اتحاد شوروی به رفیق سربلند اهدا گردید که با تشکر پذیرفته شد .

در ملاقات‌رفیق‌سیدامیرذره معاون ساز مان صلح ، همبستگی ودوستی جمهوری دموکراتیك افغانستان نیز حاضر بود . **باختر**

افتتاح نمایشگاه

نمایشگاه پیشرفتهای تعلیمات متوسط مسلکی و تخنیکی اتحاد شوروی، طی محفلی قبل از ظهر دیروز توسط رفیق برهان غیاثی عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ووزیر تحصیلات عالی و مسلکی جمهوری دموکراتیك افغانستان، در خانه علم و فرهنگ اتحادشوروی درکابل افتتاح گردید .

وزیر تحصیلات عالی و مسلکی قبل از افتتاح نمایشگاه در حالیکه عبدالصمد قیومی وزیر تعلیم و تربیه ، رفیق سید امیرذره رئیس کمیته دولتی آژانس اطلاعاتی باختر ، معینان و بعضی از روسای وزارتهای تحصیلات عالی ومسلکی ، تعلیم وتربیه وپولی تخنیك‌کابل والکساندر اوبلوف ، مستشار و زیر مختار سفارت کبرای اتحاد شوروی مقیم کابل ، حاضر بودند، ضمن صحبتی گفت :

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور ، سیستم آموزش تحصیلات حرفوی وتخنیکی اتحاد شوروی سوسیالیستی در هشت مکتب حرفوی و مسلکی جمهوری دموکراتیك افغانستان آغاز گردید که فعلا دو هزار محصل در ۲۸ رشته تحصیل میکنند . قرار است درآینده قریب، مکاتب حرفوی و تخنیکی نفت وگاز نساجی ومعدنچیان نیز در کشور مابکمك کمیته دولتی مکاتب تحصیلات‌حرفوی‌ومسلکی‌اتحاد شوروی فعال گردد .

در این محفل ولادیسلاف ائیکوالاویچ مالف، معاون رئیس کمیته دولتی تحصیلات مسلکی و تخنیکی جمهوری فدراتیف روسیه شوروی بعد از آنکه در باره دوستی عنعنوی وبرادرانه اتحاد شوروی و افغانستان روشنی انداخت گفت : در اتحاد شوروی، ۱۵۲۰ رشته‌تعلیمات متوسط مسلکی و تخنیکی موجود است که در حال‌حاضر در ۷٦۲٤مکتب این رشته ها تدریس و اضافه ازسه‌میلیون و هشتصد هزار دختر و پسر مشغول آموزش رشته های مورد نظر شان اند .

در این نمایشگاه که ، تادو هفته دیگر بروی علاقمندان باز است دو صد اثررسامی، نقاشی، مجسمه سازی ، ماشین آلات تخنیکی پوستر های فعالیت های شاگردان مکاتب حرفوی و تخنیکی اتحاد شوروی کندنکاری و غیره به معرض نمایش قرار داده شده است .

باختر

تداوی مجانی

بنابر مشی انساندوستانه حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان ، دولت تصمیم گرفته است. تا سراز اول حمل سال جاری برای نخستین بار در کشور ، معاینه وتداوی امراض چشم وعرضه خدمات صحی و مسلکی د رموسسه چشم نور برای تمام هموطنان مجانی اجراگردد‌که‌ازین‌بابت وزارت صحت عامه. سالانه بیش از ده میلیون افغانی سبسایدی را قبول نموده است .

باختر

در کمپاین کشت بهاری

ساحه بیست هزار و پنجصد هکتار زمین پخته‌کاران مرکز ومربوطات ولایت هلمند ،درکمپاین کشت‌بهاری امسال پنبه دانه بذر میگردد. حاصلات پخته دانه دار پخته کاران در سال ۱۳٦٤ بیست وسه هزار و پنجصد تن اپیشبینی گردیده است .

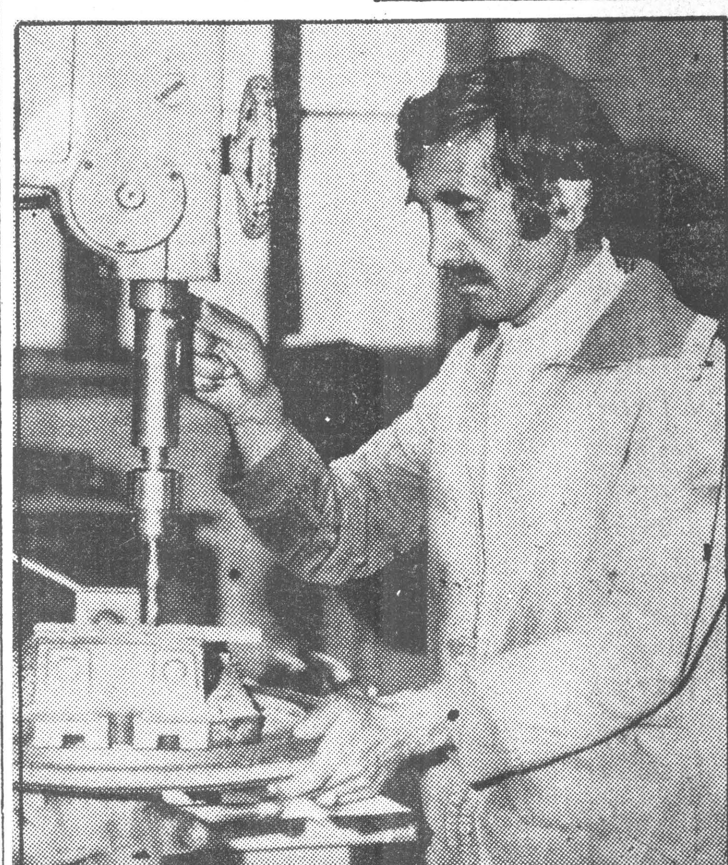
در کمپاین بهاری امسال ، به مقصد مساعدت برای پخته کاران و بلند بردن سطح حاصلات پخته هفت هزار وهفتصد وشصت وپنج تن کود کیمیاوی وسایر کمکهای مادی و تخنیکی در نظرگرفته شده است .

همچنان از طریق موسسه تصدی بست ولایت هلمند یك مقدار پنبه دانه بذری اکالا ۱۵۱۷۷۵ تولیدی این تصدی، بصورت رایگان بدسترس پخته کاران آن ولایت قرار داده خواهدشد .

به مقصد تهیه گندم بذری در نظر است، تا مقدار یکهزار تن گندم از دهقانان خریداری ، وبعد از پروسس برای‌کشت خزانی بدسترس زارعان قرار داده شود .

ودرجریان امسال ساحه یکهزاروچهار صدو چهل جریب زمین، برای دو صد و هشتادنفرازدهقانان‌بی‌زمین و کم‌زمین‌طوررایگان‌توزیع‌میگردد.

اسدالله کارگر شعبه خراطی ریاست سپین غر با ابتکارات خویش درصف اول کارگران پیشقلم قرار گرفته است . اوهمه نیرویش را در خدمت وطن‌گذاشته وفعالانه دربخش مربوطه اش کار مینماید .



اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

اعلامیهٔ کمیته رهبری‌شورای جهانی‌صلح

(بقیه صفحه اول)

نشان داده که فاشیزم جنگ را به میان آورد و خطر بروز مجدد فاشیزم یك حقیقت است. علایم جنگ رو به تزاید است که مثال های عمده آن توسعه پروپاگند های راسیزم ، اعمال تروریستی دسته جات نیو فاشیستی در کشور های مختلف جهان ترازیدی چیلی ،السلوادور، گواتیمالا ، هایتی ، پاراگوای ترور در افریقای جنوبی ، جنایات اسرائیل در لبنان واعمال جنایتکارانه‌عناصر ضد انقلاب علیه افغانستان انقلابی ، انگولا ،موزمبیق نیکاراگوا و قصابان پولپوت در کمپوچیا میباشند .

در اعلامیه تاکید شده که تهدیدبه صلح‌در اروپا تنها و تنها باتلاش های دیوانه وار امریکا و متحدین ناتوی آن گسترش می یابد که مرمی های اتمی ضربه اول‌امریکایی را در کشور های غربی‌بی‌خلاف خواسته های مردم تمرکز میدهند ومساعی امریکا مبنی بر نظامی ساختن‌کیهان تمدن بشریت را تهدید مینماید . باید این خطربزرگ از میان برده شود . در زمینه مذاکرات ژنیو بین اتحاد شوروی و امریکا در مورد اسلحه اتمی و کیهانی مایه امید ووسیله جلو گیری از بروز جنگ میباشد درصورتیکه امریکا در راه نیل به این هدف مانعی ایجاد ننماید .

در اعلامیه از امریکاتقاضای متوقف ساختن زرادخانه های اتمی ، انصراف ازتمرکز مرمی های اتمی در اروپا ، انتقال تمام مرمی های که قبلا متمرکزشده‌اند‌بعمل‌آمده‌است.

آنها همچنان خواستارمنع کامل آزمایشات اتمی، ایجاد مناطق عاری از اسلحه اتمی ، تعقیب مثال اتحاد شوروی مبنی بر اینکه اولین کشور استعمال کننده اسلحه اتمی نخواهند بود ، توسط سایر کشور های دارای چنین اسلحه وکاهش زیاد دربودجه های نظامی شان گردیده‌اند.

در اعلامیه از تمام ملل جهان تقاضا شده تا چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم را با براه انداختن مارش‌ها و اجتماعات عظیم صلح‌بر ضدخطر‌جنگ‌اتمی‌تجلیل‌نمایند

سرنوشت گرینادا برای همه زنگ خطر را به صدا در آورده وایالات متحده امریکا کیوبا را به محاصره تهدید میکند که این امر مستلزم تلاش های هماهنگ‌تر در اعتراض علیه سیاست امپریالیستی ، اعمال و حشیانه و خشونتبار آن و دفاع از حقوق‌مسلم‌مردم نیکاراگوابرای حق‌خودارادیت‌وآزادی‌میباشد.

در اعلامیه خاطر نشان گردیده‌است‌که‌مسلح ساختن مجدد پاکستان بیش از نیاز آن توسط امریکا تهدید جدی رابه صلح و امنیت منطقه تحمیل مینماید . اوضاع شرق میانه مایه نگرانی‌خاص میباشد تمرکز اسلحه اتمی امریکا در جنوب کوریاوتمرینات تحریك‌آمیزبین واشنگتن وسیول صلح منطقه را به مخاطره مواجه ساخته است.

در اعلامیه تذکر رفته است که جهانیان‌خواستار آن اند تا تلاش های نهضت جهانی برای صلح ، امنیت، خلع سلاح و نابودی میراث شوم استعمار واستقرار روابط عادلانه اقتصادی بین المللی تحکیم یابد .

در اعلامیه علاوه گردیده‌که تمام مردم باید حمایت قاطع شانرا از اعلامیه شش‌کشور در دهلی ابراز نموده و نیز روز ۲۲ ماه می سال ۱۹۸۵را بنابر تقاضای شش کشور متذکره باید بحیث‌روز جهانی کار توده یی درحمایت‌ازاعلامیه دهلی تجلیل نمایند .

در اعلامیه گفته شده که سال ۱۹۸۵ سال چلهمین سالگرد بمباردمان هیروشیما وناگاساکی نیز میباشد وتمام نیرو های صلح باید روز های ٦و۹ ماه اگست را بحیث روز های‌مبارزه بخاطرجلوگیری از وقوع‌فاجعه‌هسته‌یی‌تجلیل‌کنند

در اعلامیه آمده است که شورای جهانی صلح ضمن ارسال پیام عنوانی مردم‌سراسر جهان خاطر نشان‌ساخته که سال جاری راکه چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم است بحیث سال پیروزی بر خطر جنگ اتمی‌مبدل سازند.

اجلاس شورای عالی

اولین اجلاس یازدهمین دور شورای عالی فدراسیون روسیه دیروز در کریملین گشایش یافت .

رفیق میخائیل گرباچف‌منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و رهبران حزبی ودولتی دیگر آنکشور درین اجلاس اشتراك ورزیدند .

قراراست نمایندگان مردم فدراسیون روسیه که با یکصدو چهل دو میلیون نفر نفوس بزرگترین جمهوریت اتحاد شوروی میباشد ، هیات رئیسه شورای عالی را که عالی ترین اداره اجرائیه قدرت عالی دولتی در آن جمهوریت بین دو اجلاس شورای عالی آن فدراسیون است انتخاب نمایند . در اولین اجلاس این شورا ولادیمیر اورلوف به اتفاق آراء بحیث صدر هیات رئیسه شورای عالی‌فدراسیون روسیه انتخاب گردید .

ولادیمیر اورلوف در سال ۱۹۲۱ دیده به جهان گشوده وی از انستیتوت نساجی فارغ التحصیل گردیده‌است.. ولادیمیر اورلوف عضو کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی میباشد .

وی‌از سال ۱۹۷۹ باینطرف بحیث معاون اول شورای وزیران فدراسیون روسیه انجام وظیفه نموده است .

باختر

آیا درسهای تاریخ فراموش شد؟

٤٠ سال از آنزمانی سپری می گردد که بشریت توانست خویش را ازسایه شوم جنگ نجات دهد . دوران نابودی و خونریزی در تاریخ این جنگ پایان یافت و تا ختم این پیروزی ۵٠ میلیون انسان قربانی گردید .

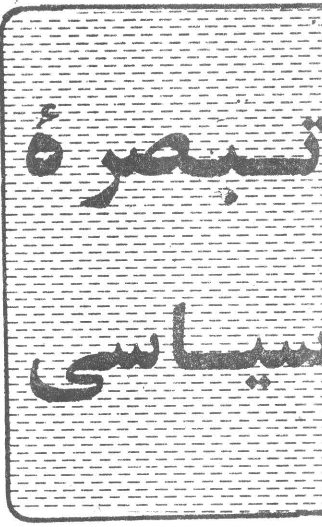
بعد از پایان این جنگ ، زمان آن فرا رسید تا همه با این نکته بیاندیشند که آیا ممکن بود بشریت جلو چنین فاجعه یی را بگیرد ؟

اکنون این واقعیت درهمه جا در شرق و در غرب‌صدای رسای خویش رد ارد که تقصیر همه رنج وآلام مردمان سیاره ما در دوران بسا سخت و دشوار جنگ‌بدوش فاشیزم هیتلری بود ه‌است.

درسالهای ۳٠ در اروپای غربی محافل سرمایه داری کمونیزم را دشمن اصلی خویش قیاس می نمودند و امیدوار بودند که فاشیزم نیروی نجات بخش است .

این سیاست تنگ نظرانه به‌مثابه «سیاست کرنش» در برابر فاشیزم مشهور گردید ومحافل حاکمه بریتانیا و فرانسه آنوقت‌که چنین سیاستی را دنبال مینمودند ،تمام سنگینی مسوولیت‌را دربرابر بشریت به عهده دارند . آنها سد راه تجاوزات فاشیزم المان نگردیده و دشمن رافقط از سرحدات کشور های خود شان دور ساختند و بدین ترتیب بانفرت کورکورانه علیه کمونیزم مصالح ملی کشور های شانرا پایمال نمودند .

موافقتنامه مونشن که در ۳٠ سپتمبر سال ۱۹۳۸ میان انگلستان ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا عقد گردید ، هدف عمده آن تجزیه چکوسلواکیا در چوکات بلانهای شوم فاشیزم و وارد آوردن فشار به جانب شرق به خصوص اتحاد شوروی بود . بدین ترتیب مونشن به سمبول خیانت دول بریتانیا وفرانسه مبدل گردید‌که این‌خیانتی بود نه تنها به خود ، بلکه به همه مردمان اروپاکه امیدوار حفظ صلح بودند .



اتحاد شوروی ایجادسیستم امنیت دسته جمعی را به منظور مبارزه علیه تجاوزگران فاشیستی و نیز رسانیدن کمك های لازم به کشور چکوسلواکیا در چارچوب معاهده کمك های متقابل میان دو کشور که درسال ۱۹۳۵ عقد گردیده بود ، اعلام نمود . بعد از پایان جنگ موافقتنامه مونشن غیر قانونی اعلام گردید که نه تنها کشور چکوسلواکیا بلکه همه جهان قربانی تجاوزات چنین موافقتنامه شد .

نفرت کورکورانه ضد کمونیستی کشور های غربی موجب گردید که آنان از دیکتاتوری چون هیتلر پشتیبانی نمایند و راه را برای شعله ور ساختن جنگ‌دوم‌جهانی بازسازند .

زمانیکه آلمان نازی با یورش خود ، کشور های غربی را تهدید نمود ، این کشور ها انتی کمونیزم را از خوددورساخته‌و همراه با اتحاد شوروی ائتلاف ضد هیتلری را تشکیل نمودند . اما آنگاهی که غرب‌وضع را مطابق به میل وخواست خویش نیافت ، به‌همان سیاست های گذشته ((محدود ساختن کمونیزم))و یا ((جنگ سرد)) علیه متحدین دیروزی اتحاد شوروی و



رژیم های‌دموکراتیك در شرق اروپا روی آورد .

فاکت ها و شواهد تاریخ گواه است که درآنوقت جنبش بین‌المللی کمونیستی در راس اتحاد شوروی دارای پروگرام مشخص کاهش خطر جنگ بود و اکنون هم یکجا با سایر کشور های سوسیالیستی پیشنهادات سازنده یی را برای‌نجات بشریت از فاجعه مرگبار جنگ پیشنهاد می کند . در سالهای ۳٠ سیاست اتحاد شوروی بر بنیاد ضرورت ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی استوار گردید که از جانب غرب نه تنها رد شد بلکه صلح در گیرودار فاجعه اسفناك و چهره‌سیاه جنگ قرار گرفت . در دوران جنگ ایالات متحده امریکا ، بریتانیا و فرانسه به مفکوره ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی با اتحاد شوروی همنوا و در منشور سازمان ملل متحد درج گردید . ولی‌هنوز بیش از ٤ سال سپری نگردیده بود که متحدین‌غربی آنرا رد نموده و پیمان‌جهنمی ناتو را تاسیس نمودند . غرب علیه اتحاد شوروی‌متحد گردید و بدین ترتیب جهان پارچه گردید .

تجارب دوران جنگ به‌خلق های جهان درس عبرت را گذاشت تا با تلاش پیگیربرای حفظ صلح‌مبارزه نمایند ، بسترهای داغ جنگ در کجا یی که باشد صلح‌جهانی را تهدید می کند ، از صلح نباید در یك نقطه جهان حرف زد . اکنون چگونه می توان باور داشت که اداره ریگن به حفظ صلح علاقه منداست، در حالیکه به اشغال کشور کوچك گرینادا پرداخت و با اعمال رذیلانه تجاوز را به نیکاراگوا آماده گی می گیرد ، از سیاست توسعه طلبانه اسرائیل پشتیبانی می‌کند .

تاریخ شناس انگلیسی به نام تی لر می نویسد :یگانه درسی که انگلستان از مونشن گرفت این بود که در مذاکرات و در جنگ ـ درهر دو صورت باید بطور لازم مسلح بود . اما تاریخ این درس را داده است که با مسابقه تسلیحاتی نمی‌توان از صلح دفاع کرد . میلیون ها قربانی جنگ پیامد مسابقات تسلیحاتی ۲٠ ساله بود که امروز شمار قربانیان در صورت وقوع جنگ به میلیارد ها خواهد رسید .

جنگ دوم جهانی به‌اثبات رسانید که قوی ترین ماشین جنگی آنزمان نتوانست سوسیالیزم را نابودسازد.

ولی اکنون بازهم شعار «جنگ صلیبی» طنین انداز است ، گویی درسهای تاریخ فراموش شده است .

ترجمه : نجیبه

اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

درمیان قبایل پشتون

بیش از پانزده هزار نفر از قوم افریدی و شینواری طی یک جرگه بزرگ قومی بار دیگر تمام خواسته ها و پیشنهادات خود را در برابر رژیم نظامیگر پاکستان مطرح نموده و فیصله کردند که هیچگونه مداخله پاکستان را از سر حد تعیین شده به قلمرو شان نخواهند پذیرفت.

* * *

حکومت نظامیگر پاکستان به ملکان و اشخاص طرف اعتماد خود که در لندی کوتل لوارگی بود و باش دارند هدایت داده است تا مردم شینواری را از کوه ها پایین نموده و به محاصره نظامیان پاکستان در لندی کوتل خاتمه دهد ولی این ملکان نه تنها مردم شینوار را از عمل شان مانع نشدند با آنها کمک هم کردند.

گزارش های رسیده به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که حکومت پاکستان این ملکان راکه عبارت از حاجی معروف خان شیخ مل خیل شینواری، حاجی یونس خان میر دادخیل حاجی اورنگ زیب، محمد اکبر شیخ مل خیل و حاجی معروف خان اشخیل میباشند زندانی ساخته است.

در گزارش ها آمده که بازار های دره، باره جمرودو لندی کوتل تا حال مسدود بوده مردم افریدی، شینوار، ملا کوری و شلمانی به کارمندان دولتی اجازه نمیدهند تابه منطقه شان داخل شوند.

همچنان به موتر ها نیز اجازه رفت و آمد داده نمی شود مردم سنگر های دفاعی خود را تحکیم می بخشند. در لندی کوتل بازار جدید مواد ارتزاقی بخاطر رفع احتیاجات مردم بنام پشتون بازار ساخته شده و شیخ جمیر و گل حمید خان کنترول قیمت ها را در آن بازار بعهده گرفته اند.

* * *

حکومت نظامی پاکستان فشار و اختناق بر قبایل آزاد را روز تا روز تشدید میکند بر اساس گزارش های رسیده به آژانس اطلاعاتی باختر حکومت پاکستان اخیراً آب آشامیدنی، برق و مواد غذایی را برای مردم شینوار قطع نموده است.

گزارش های رسیده حاکیست که در قبال این رویداد ظالمانه وغیر انسانی یک گروپ مسلح مردم شینوار تحت رهبری حاجی میرزا شینواری، تهانه نظامیان پاکستان را در «تور غو دسر» محاصره نموده و بعد ازاخراج عساکر پاکستانی آنرا اشغال کردند.

گزارش حاکیست که کمیته قومی قوم شینواری اخیراً طی فیصله یی به گروپ دفاعی خود دستور داده تا دیپتی خیبر ایجنسی دستگیر و از بین برده شود.

گزارش می افزاید از هنگام صدور این فیصله اعتماددیپتی خیبر ایجنسی از خاصداران سلب گردید و برای محافظت خود افراد جدیدی را تقاضا نموده است.

همچنان ملک نادر افریدی جهت امنیت دیپتی طرفداران خود را موظف کرده است. گزارش های دیگر میرساند که شاکر شینواری صوبه دار خاصداران از اینکه از دستگیری مردم خودداری می ورزید از وظیفه اش استعفا نموده است.

همچنان ملیشای پاکستانی قبلا از جنگ علیه مردم اباء ورزید تحصیلدار تحصیل لندی کوتل نیزاستعفا نموده ولادرک میباشد.

یک گزارش دیگر به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که مردم شینوار از طرف شب و روز امنیت شانرا خود شان بعهده گرفته از طرف شب بدون نام شب کسی گشت و گذار کرده نمیتواند.

قرار یک خبر دیگر مقدار زیاد چای که توسط ضدانقلاب افغانی انتقال داده میشد توسط پوسته امنیتی مردم شینوار در آنجری کندو واقع لندی کوتل دستگیر و به کمیته قومی قوم شینوار تسلیم داده شد.

* * *

بزرگان اقوام انارکی، الله خیل، سلاله، کرودی و موهمند اخیراً طی یک جرگه قومی اعمال ضد اسلامی و غیر انسانی عناصر ضد انقلاب افغانستان را تقبیح نمودند.

گزارش رسیده به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که طی این جرگه قومی، ملک عبدالرحمن، ملک سردار حاجی فقیر و ملک میرا جان به نمایندگی از دیگران طی سخنرانی های خود گفتند: ضد انقلاب افغانستان این عناصر فروخته شده باید هرچه زودتر از مناطق مومند و سایر مناطق سرحدی خارج شوند.

در اخیر این جرگه قومی فیصله بعمل آمد که بیش از این به اشرار افغانستان اجازه نخواهند داد که در مناطق مومند بود و باش کنند واز طریق مناطق سرحدی جهت تخریبکاری علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان داخل آن کشور شوند.

باختر

اعتراف به توطئه درنیکاراگوا

یک پروگرام مخفی عملیات جنگی مشترکاً از جانب وزارت دفاع ایالات متحده امریکا و سازمان «سی.آی.ای» در هاندوراس پیش برده میشود.

روزنامه واشنگتن پست نگاشته که پنتاگون در سال ۱۹۸۳ یکدسته از عساکر امریکایی رابه اساس این پروگرام به هاندوراس اعزام نموده است.

آنها مشترکاً با مربیون «سی.آی.ای» یک مرکزتربیوی راجهت تربیت قاتلین در پایگاه نظامی له ونتیا مرکز آنکشور ایجاد کرده و امور آنرا به پیش میبرند.

باختر



نیکاراگوا: پیروزی مردم درسال ۱۹۷۹ صفحه جدیدی در برابر جوانان این کشور باز نموده که فعالانه در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سهم میگیرند. وبااین کار وپیکار اساس درخشان جامعه آینده کشور را بنیانگذاری مینمایند.

فعالیتهای تخریبی روانی

روز نامه پراودا ارگان نشراتی حزب کمونست اتحاد شوروی تحت عنوان «سیلی از افتراء» مینگارد دشمنان مردم افغانستان درست بعد از پیروزی انقلاب ثور در افغانستان به فعالیت های تخریبی روانی آغاز کردند.

بخاطر این هدف ازمعتقدات مذهبی و بیسوادی مردم سوء استفاده می کنند.

ستراتیژیست های جنگ روانی با اطلاعات نادرست وافتراآت در قدم اول توده های دهاقین، کوچی ها و اشخاص نادار را که اکثریت مردم افغانستان را تشکیل میدهند هدف خود قرارمیدهند آنها بلا درنگ تلاش میورزند تا ذهن افغانها را بابد گمانی مسموم ساخته واز حکومت دموکراتیک افغانستان دور نمایند ودر مغز آنها تخم هراس وشک را بپاشند.

پراودا مینگارد که جنگ روانی علیه افغانستان به یکی ازعظیمترین عملیات سی.آی.ای درسال های اخیر مبدل شده است

این جنگ روانی به کمک دسایس جمعی تحت کنترول سی.آی.ای بطور منظم و به قیمت ملیونها دالر امریکا براه افتاده است.

هم اکنون اضافه از پنجاه فرستنده رادیویی از خارج به زبان های رایج در افغانستان نشرات مینمایند.

ساعت های انتشارات این فرستنده ها در جریان پنج سال گذشته دها چند افزایش یافته ودو صد ساعت را دریک هفته در بر میگیرد.

نشرات «صدای امریکا» در لسان های دری و پشتو به شش و نیم ساعت در یک روز رسیده و طوریکه چارلس ویک آمر سازمان اطلاعاتی ایالات متحده امریکا اخیراً گفته رادیوی «صدای امریکا» تصمیم دارد تا اطلاعات خود راه موثر تر به شنوندگان در افغانستان پخش نماید.

کار اعمار فرستنده های عظیم برای ستیشن های تخریبی «لیبرتی» و اروپای آزاد در پاکستان آغاز شده است. این ستیشن ها به لسان های مروج افغانستان نشرات خواهند کرد.

روز نامه پراودا علاوه میکند قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان انبار های مواد تخریبی را در کنارذخایر سلاح ومهمات در مخفی گاه های ضد انقلاب کشف کرده اند.

درین اواخر سیل اسناد تبلیغاتی خاص مانند دستور العمل رسوای «جنگ روانی» برای باندیت های افغانی در امتداد سرحدات سرازیر میگردد.

این تبلیغات می آموزد که چگونه بهتر میتوان کشت، انفجار داد، به آتش کشید، مسموم ساخت وتخریب کرد. فریب مردم باسیل از افتراآت وسیله ای برای پلان های نیرو های ارتجاعی است که محرکین «جنگ روانی» علیه افغانستان دموکراتیک می خواهند آنرا بسر رسانند.

حمایت ازجنبش ضد اپارتاید

مقامات پریتوریا مذبوحانه تلاش دارند تا جنبش انقلابی را در افریقای جنوبی با مشکلات روبرو سازند وبرای این منظور به سرکوب وسیع مردم ستمدیده آنکشور دست زده اند.

در بیانیه ای که از جانب دفتر ارتباطی کانگرس ملی افریقا در الجزایر انتشاریافته گفته شده است که موج دهشت افگنی های تازه در زمانی از جانب مقامات تبعیض طلب افریقای جنوبی براه انداخته شده که این رژیم منفور تلاش دارد تا جامعه جهانی را در مورد به اصطلاح «آزادی» سیستم اپارتاید قناعت بدهد.

کانگرس ملی افریقا ازتمام نیرو های مترقی جهان نسبت به حمایت آنها ازمبارزه مردم آفریقای جنوبی بر ضد رژیم منفور اپارتاید و بخاطر تامین حقوق ملی اظهارسپاس نموده است.

همچنان در بیانیه ای که از طرف دارلانشای سرتاسری جوانان افریقا به نشر رسید سرکوب اکثریت مردم افریقای جنوبی توسط رژیم تبعیض طلب پریتوریا قاطعانه محکوم گردیده است.

باختر

جنگ نافرجام

در جبهه های جنگ نافرجام ایران و عراق آتش جنگ خانمانسوز شعله ور است. به موجب گزارشات واصله در تشدید اخیر جنگ میان دو کشور همسایه که با حملات هوایی و گلوله باری به شهر ها وسایر مناطق مسکونی همراه بود تعداد بسیاری از افراد غیر نظامی کشته و زخمی گردیدند.

به دستور رژیم ایران شهر های بصره، مندلی، خانقین و تعداد دیگری از مناطق مسکونی گلوله باران گردید. ایران سپس مدعی گردید که در نبرد زمینی به داخل خاک عراق نفوذ کرده وبغداد را مورد حمله راکت قرار داده است.

عراق ادعا های ایران را تکذیب کرد و اعلام نمودکه به نیرو های زمینی ایران در اطراف هویزه تلفات بسیار سنگین وارد آورده است. طیارات جنگی عراق نیز مرتباً بر فراز شهر های ایران از قبیل تهران اصفهان، تبریز وغیره پرواز کرده و آنها را مورد هجوم قرار داده اند.

تشدید جنگ ایران و عراق با نگرانی کلیه شخصیت ها، محافل و دول صلح دوست جهان مواجه گردیده است. در هفته گذشته از طرف راجیو گاندی رئیس جنبش عدم انسلاک تلاش های گسترده تازه ای برای پایان بخشیدن به این جنگ برادر کشی آغاز گردید. پریز دو کویلار سر منشی سازمان ملل متحد از هر دو طرف خواسته است که به بمباردمان مناطق غیر نظامی خاتمه دهند. این حملات نقض تعهدی است که طرفین در ماه جون گذشته آنرا تقبل کرده بودند.

انزجار علیه پنتاگون

در طی هفته گذشته افشا گردید که رئیس جمهورایالات متحده بر تصمیم پنتاگون مبنی بر استقرار سلاح های هسته ای در فیلیپین و هفت کشور دیگر صحه گذاشته است.

افشا این مطلب خشم و انزجار افکار عمومی را در فیلیپین بر انگیخته است. در طرح قطعنامه ای که به اسامبله ملی (پارلمان) فیلیپین ارائه گردیده از حکومت این کشور خواسته شده است تا قاطعانه با ((قصد حکومت ایالات متحده برای تبدیل فیلیپین به زرادخانه سلاح های امحای جمعی که مغایر با روح مذاکرات جاری ژنیو به منظور کاهش سلاح های هسته یی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده می باشد.)) مخالفت ورزد.

روز نامه ((بولتن امروز)) چاپ فیلیپین در این ارتباط هشدار داده است که اگر استقرار سلاح های هسته ای در فیلیپین مجاز شناخته شوند این کشور به یکی از اهداف احتمالی ضربت هسته ای مبدل می گردد.

روز نامه مزبور تاکید ورزیده است: امروز ملل اروپا، آسیا وسایر قاره ها خطر مسابقه تسلیحاتی را بیش از پیش احساس می نمایند. ((نباید اجازه داد که فیلیپین به یک گروگان هسته ای مبدل شود. مابایدکاملا مطمین گردیم که سر زمین ما عاری از سلاح های هسته ای باقی خواهد ماند.))

اشغالگران درجنوب لبنان

جنایات سازمان یافته اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد. در طی هفته گذشته نیز صهیونیست ها باحملات وحشیانه و آتش تانک ها عده دیگری از مردم بی گناه لبنان را به کام مرگ فرستاده یا شدیداً مجروح ساختند. گزارشات واصله از جنوب لبنان حاکی است. اشغالگران علاوه بر قتل عام اهالی دهکده هایی که ((مشکوک)) به همکاری با میهن پرستان لبنان می باشند برای اینکه از انتشار این اخبار هولناک به خارج جلو گیری نمایند، شاهدان عینی جنایات خود را نیز از بین میبرند. در همین ارتباط دو تن از خبرنگاران امریکایی شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس» در پانزده کیلو متری شهر صیدا به ضرب گلوله هایی که از یک تانک اسرائیلی شلیک میشد به قتل رسیدند. ولی علی الرغم جنایات وحشیانه اسرائیل، جنبش مقاومت مردم لبنان بیش از پیش اوج میگیرد و روزی نیست که عده ای از عساکر اشغالگر در آتش خشم مردم به خاکستر تبدیل نگردند. رشد این جنبش توده ای و همچنین همبستگی فزاینده بین المللی با مردم لبنان به حدی است که حتی دولت اسرائیل را وادار نموده است تا به طرح های فریبکارانه خروج قوای اشغالگر از جنوب لبنان متوسل گردد.

پیامد تسلیح پاکستان

انستیتوت جنبش عدم انسلاک هندوستان اعلام داشته است که تسلیم بی وقفه سلاح های امریکایی به رژیم پاکستان تعادل قوا در شبه جزیره هند را برهم میزند. در گزارش مخصوصی که در همین رابطه انتشار یافته خاطر نشان گردیده که علی الرغم اینکه پاکستان پروگرام هسته ای خود را تابع اهداف نظامی ساخته، ایالات متحده این موضوع را نادیده میگیرد. در گزارش آمده است که واشنگتن نه تنها قصد ندارد برای جلو گیری از انکشاف بمب هسته ای اسلام آباد اقدامی انجام دهد، بلکه درست برعکس در صدد ایجاد پایگاه های نظامی در کشور های شبه قاره هند می باشد تا راکت های هسته ای خود را که خطر مستقیمی علیه هند و سایر کشور های منطقه است در آنجا مستقر سازد.

در گزارش انستیتوت جنبش عدم انسلاک هند ازتمام کشور های غیر منسلک خواسته شده است تا برای تبدیل شبه قاره هند به منطقه عاری از سلاح های هسته یی مبارزه نمایند.

جهان در هفته

مروری بر وقایع مهم

توکیو بر ضد یونسکو

بنا به گزارش روز نامه ((آساهی)) چاپ توکیو، حکومت جاپان دستور داده است تا تمام هیات های دیپلماتیک جاپان درکشور های آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین باید هجوم تبلیغاتی علیه سازمان آموزشی علمی و فرهنگی سازمان ملل ((یونسکو)) را آغاز نمایند.

کشور های پیشرو و در حال انکشاف قبلا عملیات خرابکارانه ایالات متحده و متحدینش را علیه یونسکو محکوم کرده اند. توکیو بحیث متحد نزدیک ایالات متحده قبلا تهدید کرده بود که اگر یونسکو از مشی کنونی خود که باعث خشم واشنگتن گردید صرف نظر ننماید به دنبال ایالات متحده از یونسکو خارج خواهد گردید.

یونسکو از خلع سلاح و جنبش های آزادی بخش ملی پشتیبانی نموده و با سلطه انحصارات اطلاعاتی غرب بررسانه های گروهی کشور های در حال انکشاف مخالفت می ورزد و درست به همین دلیل آماج حملات ایالات متحده و متحدین نزدیکش قرار گرفته است.

آزمایش راکت توماهاک

ایالات متحده در نظر دارد تا در راه تشدید مسابقه تسلیحاتی گام دیگری بر دارد. پنتاگون اعلام کرده است که در خزان امسال نیروی بحری ایالات متحده آزمایش راکت های کروز توماهاک را در مناطق شرقی امریکا بخصوص در فلوریدا و خلیج مکسیکو آغاز خواهد کرد.

این آزمایشات قسمتی از پروگرام عظیم ((تجدید تسلیحات)) نیروی بحری ایالات متحده می باشد. به موجب اظهارات یکی ازسخنگویان پنتاگون تحت این پروگرام قرار است حدود ٤۰۰۰ راکت کروزدر کشتی های جنگی ایالات متحده مستقر شود. وی علاوه نموده است راکت های مزبور مشتمل بر انواع گوناگون ستراتیژیک و میان برد می باشد.

کنگره سیزدهم

به تاریخ ۲۵ مارچ کنگره سیزدهم حزب کارگران سوسیالیست هنگری دربوداپست گشایش یافت. بهترین نمایندگان طبقه کارگر، کوپراتیف های زراعتی وروشنفکران هنگری و همچنین هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری و احزاب سوسیالیست ودموکرات انقلابی و جنبش های رهایی بخش جهان در این کنگره اشتراک ورزیده اند.

اجندای کنگره حزب مشتمل است بر گزارش کمیته مرکزی حزب کارگران سوسیالیست هنگری در باره چگونگی اجرای قطعنامه های کنگره ۱۲ و ارایه پیشنهادات برای ایجاد تغییرات در قانون انتخابات ارگان های رهبری حزب، کنگره مزبور با نطق رفیق یانوش کادار منشی اول کمیته مرکزی حزب کارگران سوسیالیست افتتاح گردید.

ازسرزمین دوست

بربالهای موسیقی...

هنر بهترین و والاترین آیینه روان و روح مردم است، و این هنرمندان اند که عواطف، احساس و آرمان همه‌گانی ملیت هارا تمام قامت و در راستای آن مینمایانند.

آنگاه که هنرمندان از یک سرزمین به سرزمین دیگر میروند، عواطف و احساس همه گانی را با خود میبرند. چندی پیش هیئت هنرمندان کشور دوست اتحاد شوروی برای سهمگیری در شادی روزهای سال نو و چهلمین سال پیروزی مردم اتحاد شوروی بر فاشیزم هیتلری به کابل آمد. آنها احساسات گرم و دوستانه مردم خود را در لابلای نمایشات و هنرنمایی هایشان به مردم ما اظهار نمودند. گزارشی را که اینجا میخوانید فشردهٔ نشستی است که با این مهمانان هنرمند داشتیم.

یو مسیکوف آهنگساز معاصر اتحاد شوروی و دایرکتر هنرمندان مهمان در پاسخ سوال ما گفت:

«از چارده روز به اینسو در شهر کابل کنسرت دادیم. ما عمدتاً دو ستیژ داشتیم، صحنه کابل ننداری و تالار خانه علم و فرهنگ. همچنان برای سربازان و خارندویان و موسسات تولیدی شما نیز نمایش و کنسرت اجرا نمودیم، که همه کنسرت‌های ما باشور و استقبال گرم مردم روبرو شدند.»

پلینا واسیلوا رقاصه گروه هنری گفت:

«من از مکتب حرفه یی رقص بلشوی تیاتر فارغ شده‌ام، و تاکنون انواع گوناگون رقص مانند «بالت، دیسکو و فلکلوریک» را اجرا نموده‌ام. در زمان اقامتم در کابل خوشبختانه ((اتن)) رقص ملی افغانی را نیز فرا گرفتم. در چند کنسرت خود این رقص را با همسفرانم روی ستیژ اجرا نمودم. این رقص افغانی برای بیننده‌گان ما آنقدر، جالب بود، که خود شان روی ستیژ می آمدند، و ما را همراهی میکردند.»

این هنرمند خوب پیامش را به خواننده گان ما چنین ارائه نمود: «کشور شما و مردم شما بسیار دوست داشتنی اند، چهره های شاد و متبسم شهریان کابل برای ما بسی خاطره‌انگیز بودند، من به حیث یك هنرمند به هر خوانندهٔ روزنامهٔ شما پیروزی و سعادت آرزو میکنم.»

ناتالیا بوریسکو آواز خوان فلکلور با آهنگ های شاد خود، تحسین همه بیننده‌گان را برانگیخت او می گوید: «این بار سوم است که به شهر زیبای کابل می آیم موسیقی فلکلور، روان ملیت‌ها را انعکاس میدهد، وصادقانه میگویم که آهنگ های شاد و ریتمیك افغانی بسی الهام بخش و آموزنده هستند. در انگیزش احساسات به نظر من موسیقی فلکلوریك افغانی ویژه گی های منحصر به فرد دارد.»

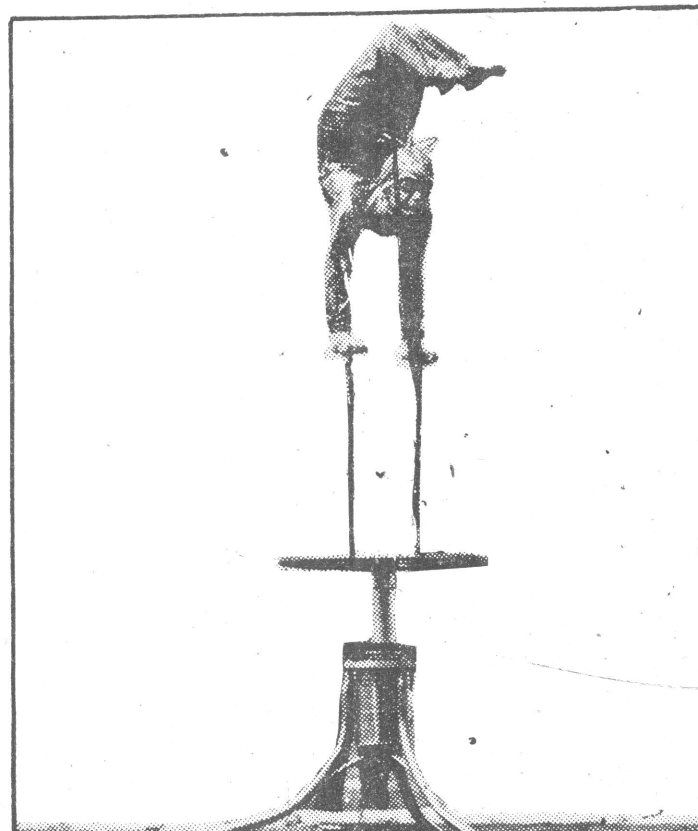
ولادیمیر پالا و تکین و تانیا ناپلا و تکینا جفت هنری اکروبات نیز شامل هیئت هنرمندان اتحاد شوروی بودند که نمایشات هردوی آنها برای بیننده‌گان شگفتی‌زا بودند. آنها گفتند: «در هنگام هنرنمایی شهریان کابل ما را بسیار تشویق نمودند. اکنون ما برای اجرای نمایش در فستیوال جهانی جوانان که در تابستان سال روان در شهر مسکو گشایش می یابد آماده‌گی میگیریم. در اتحاد شوروی سرکس و اکروبات و شعبده بازی پیشرفت زیادی نموده است.

آرزو داریم در کشور شما نیز سرکس و نمایشات اکروبات به گونه دایمی احیا گردد، و رونق سازمان یافته پیدا نماید.

در پایان تمام هنرمندان به مناسبت حلول سال نو به مردم ما بهترین شاد باش ها، وسپاس گزاری خود را نسبت به مهمان نوازی شهریان کابل ابراز کردند.

احسان





صحنه هایی از نمایشات شور انگیز و هیجانی هنرمندان مهمان در تالار کابل ننداری وستدیوم ورزشی کابل.

عکس ها از هاشم نذیر

گزارشها

چندی پیش نمایشگاه آثار نقاشی نبی الله هنرمل نقاش جوان ما در گالیری دو شنبه مرکز تاجکستان اتحاد شوروی گشایش یافته بود. این نمایشگاه به مقصد گسترش روابط فرهنگی بین تاجکستان اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پا گردیده بود. همچنان قرار است در آینده های نزدیك یك مجموعهٔ اشعار انقلابی و معاصر افغانستان نیز در چاپ خانه های تاجکستان نشر شود.

* * *

هفته پیش جشنوارهٔ جهانی فلم های کمیك و طنز های سینمایی در یکی از شهر های فرانسه گشایش یافت. درین جشنواره افزون بر صد فلم کمیك از کشور های ایتالیا، سویس، چکوسلواکیا، بریتانیا، ایالات متحده امریکا و اتحادشوروی به معرض نمایش گذاشته شده بودند.

* * *

دهمین مسابقه جهانی سرکس در مونت کارلو پایان یافت. هنرمند اتحاد شوروی جایزه اول ((دلقك طلایی)) این مسابقه را به دست آورد. جایزه دوم ((دلقك نقره یی)) این مسابقه بین المللی به یك هنرمند اطریشی تعلیق گرفت.

* * *

گروه کلاسیك هنرمندان بالت اتحاد شوروی به تازه گی ها ((قصه رومیو و ژولیت)) را به شکل فانتیزی آوازی ساخته و به معرض نمایش گذاشته اند. این بالت بر اساس شاهکار و شکسپیر اجرا میگردد.

هنروزندگی

به مناسبت سه صد مین سال تولد

باخ و آفریده‌های او

هفتهٔ پیش سه صد مین سالگرد تولد یوهان سبستیان باخ، آهنگساز سده هژدهم آلمان در سراسر جهان برگزار شد. پوهنځی های هنر ها وزبان وادبیات و شورای فرهنگی پوهنتون کابل نیز برای بزرگداشت از سال روز تولد باخ محفلی را در تالار سید جمال الدین افغان پوهنتون کابل برپا نموده بود.

باخ تاگوشش شنوا وچشم هایش باز شد با آواز ها و تصاویر سیاه تیره روزی، فقرو تهی دستی آشنا گشت. او هنوز که کودك بود در فروغ ماهتاب قلم به دست ناتوانش میگرفت و آهنگ های پیشینیان را رو نویسی میکرد. همین کودك سرانجام با نوشتن (شصت) جلد اثر، غول ادبیات موسیقی جهان شد. صدای گیرا واستعداد خیزه کننده، گذشته ازآن که در روزگار باخ چندان رونق وبازار نداشتند برای او یگانه وسیله های پیدانمودن نان و جامه شدند و به سخن رومن رولان آزاد اززمان و مکان در عالم موسیقی آشیانه گرفت. باآفریده های باخ موسیقی اسنت ها و قرار داد های بدوی وکلاسیك بدرود گفت. دانش هارمونی به ویژه هارمونی کروماتیك وسیستم به کار بردن انگشتان در نواختن آرگن وپیانو از بنیاد دگرگون شد.

باخ بیشترین آثارش رابرای آله های موسیقی مانند آرگن، پیانو، ویلون، نی، قانون، عود و گیتار نوشته‌است.

باخ موسیقی را ازدیدگاه میتافزیك میدید. و یأس، شگفتی های جهان وانسان، موسیقی کلیسایی، نیایش ومناجات موضوع بیشترین آثار اورا میسازند. او برآن بود که «هدف و علت غایی موسیقی جلوهٔ ایزد و تزکیه روح است.»

باخ آهنگهای شاد، رقص وپایکوبی و آواز های دسته جمعی نیز ساخته است، که عواطف، احساس و هوس انسان را به گونه رومانتیك وگاه شاد واز بندر سته مینمایاند.

در شاهکار های باخ بنیاد و کالبد آهنگهای فلکلور آلمانی و گاه ملیت های سراسر قاره اروپا دست‌یافتنی ومحسوس اند.

باخ دو بار ازدواج کرد و بیست فرزند داشت. اوهمواره میگفت که در «خانهٔ من آرکستر مکمل موسیقی وجود دارد.»

سه سال اخیر زنده‌گانی را نابینا زیست اماموسیقی آفرید. آنگاه که در بستر مرگ بودبراساس وصیت‌خودش یکی از آهنگهایش را که «سنگین ترین نیاز» نام‌داشت نواختند و به سخن یکی از ستاینده گانش «روح این بزرگمرد موسیقی بر بالهای شور انگیز ترین آهنگش از تن جدا شد.»

ستاك

خورشید بانقشهایش

خورشید از ممثلین‌خوب تیاتر و سینماست. او درسال ۱۳۵۳ نخستین بار در بخش درام و دیالوگ پشتوی رادیو افغانستان کار هنری خود را آغاز نمود و تا کنون در بسیاری درامهای‌رادیویی و فلم های هنری بازی نموده است. خواننده‌گان مانقش های‌او را در فلم های ((سیاه موی وجلالی)) ((فرار))، ((کیفر)) و ((عروس)) دیده اند.

او می گوید: ((در روی آوری با هنر دشواریهای زیادی را دیدم، اما از زنده گی هنری ام همواره راضی می باشم.))

سینمای ما در سالهای انقلاب

سینمای نو بنیاد ما که عمر بیشتر از چند دهه ندارد، درسالهای انقلاب آفریده های ارزشمندی را پدید آورد، که در پیشرفت و تکامل هنر سینما در کشور نقش مهم و تاریخی داشتند.

واحد نظری از کارگردانان جوان سینمای ماست. او تا کنون با سختکوشی زیاد چند اثر خوب سینمایی آفریده است که چشم براه کار های برجسته تری از او می باشیم. برای آشنایی خواننده گان ما با کار های این هنرمند گفت و شنودی کوتاهی را با او به نشر میرسانیم.

- شما چگونه وارد دنیای سینما شدید؟

- در سال ۱۳۵۳ غرض تحصیل به بلغاریا رفتم. رشته کارگردانی سینما و تلویزیون را در آنجا تا درجه ماستری و تخصصی پیش بردم و درسال ۱۳٦۱ به وطن آمدم. مدت یکسال در تلویزیون ج.د.ا، به حیث کارگردان سینما ونمایشنامه های تلویزیونی کار نمودم و از سال ۱۳٦۲ به اینسو به صفت کار گردان در ریاست افغان فلم مصروف وظیفه می باشم.

- تا کنون کدام فلمهای هنری را ساخته اید؟

- زمانی که در بلغاریا تحصیل می کردم، چند نمایشنامه تلویزیونی را در آنجا کار گردانی نمودم. کار گردانی قسمت سوم فلم ((افغانستان در روند تکامل)) ، فلم هنری ((لحظه ها)) وفلم « پرورشگاه وطن» از کار هایی است که در افغان فلم انجام داده ام. اکنون کار تهیه فلم ((دلمر په لور)) را زیر کار دارم‌که فلم نامه آنرابراساس قصهٔ از اکبر کرگر نوشته ام.

- به نسبت کار های هنری تان، کدام جوایز و گواهینامه ها را در یافته‌اید؟

- یك فلم مستند من ((زنده گی کور)) در بلغاریا جایزه گرفت، نمایشنامه تلویزیونی ((رئیس)) از ساخته های دیگرم جایزه مطبوعاتی سال ۱۳٦۲ را بدست آورد و فلم ((پرورشگاه وطن)) توانست جایزه اول اتحادیه ژورنالیستان را که چندی پیش ضمن یك کانکور هنری برایم داده شد، بگیرد.

در نظر دارم فلم ((لحظه ها)) و ((پرورشگاه وطن)) را در جشنواره جهانی سینما که تحت عنوان((صلیب سرخ)) در شهر وارنای بلغاریا از هفتم تا ۱۰ جون، بر پا می گردد، کاندید نمایم. مقامات سینمایی بلغاریا در انتخاب هیئت داوری جشنواره از من نیز دعوت نموده است.

- برای پیشرفت سریع سینمای ما و رقابت آن با سینمای خارجی نظر تان چیست؟

- پس از پیروزی انقلاب شکو همند ثور حزب و دولت برای استقرار و پیشرفت سینمای ملی ما توجه زیادی نمود. و در این عرصه گام های تاریخی و پیش تازنده برداشته شد.

یکی از دشواریهای سینمای ما، نداشتن تکنیك عالی سینما توگرافی در کشور است. تعداد فلم سازان و کادر های فنی ما نیز کم اند.

به نظر من باید رابطه سینمای ما با سینما های کشور های دوست تحکیم یابد، و با آنها فلم های هنری مشترك ساخته شود زیرا ازین راه‌می‌توانیم‌سینمای کشور را در عرصه جهانی بشناسانیم.

سینما گران ما باید پیوسته به دانش و آگاهی فنی خود بیافزایند، زیراکسانی که در فلم سازی تحصیل و ممارست نداشته باشند، مسلماً کار شان با نواقص و نارسایی ها توأم خواهد بود.

عبدالمطلب



واحدنظری درو سط، هنگام کار گردانی نمایشنامهٔ «سه‌شب ازهزارشب» در تلویزیون بلغاریا.

زیرنظر هیأت تحریر
مدیر مسوول: صدیق کاوون